

هشدار!

((...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

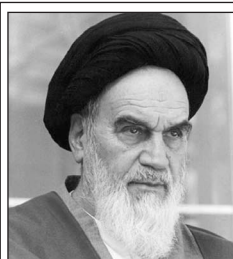
دعا می کنند همه برای خودشان است...))

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



آیت الله تسخیری:

وحدت، خط استراتژیک جمهوری اسلامی ایران است



دیدگاه های امام خمینی
درباره ضرورت عبرت
گیری «روحانیت و مردم»
از وقایع تاریخ معاصر و
پرهیز از اختلاف و تفرقه

صفحه ۱۲



درگذشت عالم
روشن بین و
نیک اندیش

صفحه ۶



نقشه قدیمی
دشمن
مشکلی برای نظام
و استقامت رهبری

صفحه ۸

صفحه ۱۰

اخوان المسلمین مصر؛
رهبری جدید و آینده سیاسی

صفحه ۴

رویوران:

مبارک برای جانشینی فرزندش
فلسطینی ها را قربانی کرد

صفحه ۳

نماینده ولی فقیه در یزد:

خط قرمزهای جامعه

صفحه ۱۳

حجت الاسلام والمسلمین ری شهری در مراسم تودیع
نماینده گی ولی فقیه در امور حج و زیارت:

هنر نیست که از خانواده شهید
کودتاجی بسازیم

صفحه ۱۶



استاد خسروشاهی:

«رعایت انصاف» ویژگی بارز
تاریخ نگاری علامه دوانی است

صفحه ۱۶

شماره جدید ماهنامه "شاهد یاران" منتشر شد

آیت الله قاضی طباطبایی، شهید اندیشه و جهاد...

پهلوی به مبارزه برخیزد. با آغاز نهضت
امام در سال ۴۲، شهید آیت الله قاضی وارد
مبارزه جدی با رژیم شد و در این راه زندان ها
و تبعیدهای فراوانی را به جان خرید.

ادامه در صفحه ۱۵

۴۲سالگی به تبریز بازگشت تا در ضمن
ادامه کارهای پژوهشی، تدریس و تالیف
کتاب ارزشمند، به تقویت آگاهی نسل
جوان و تعمیق بینش سیاسی آنان بپردازد
و در جهت نشر افکار امام خمینی با رژیم

از شاگردان ممتاز بزرگانی چون آیت الله
کاشف الغطاء، آیت الله سیدمحسن
حکیم، آیت الله میرزا باقر زنجان و
آیت الله بجنوردی باشد. وی پس از
دستیابی به درجات علمی بالا، در

گردید. وی از خاندان بزرگ آل
طباطبائیست که در آذربایجان به
سادات "عبدالوهابیه" شهرت دارند و
در زمان حکمرانی خلفای بنی عباس،
مدینه را به قصد ایران ترک کردند.
نسب این خاندان با سه واسطه به امام
حسن مجتبی (ع) می رسد. خاندان
طباطبایی در طی اعصار گوناگون،
پرچمدار فقاقت و پاسدار معارف اهل
بیت و با تربیت شخصیت های بزرگ
جهان اسلام، در جامعه شیعی از
موقعیت ممتازی برخوردار بوده اند.

آیت الله قاضی طباطبایی از
نوجوانانی به همراه پدر طعم تبعید را
چشید و در کوره حوادث و مبارزات،
فولاد آبدیده شد، بدان گونه که در
سراسر عمر پربار خویش، لحظه ای از
دشمن نه راسید و به زیور شجاعتی
مثال زدنی آراسته گردید. او پس از طی
سطوح مقدماتی در حوزه علمیه تبریز و
کسب فیض از اساتید بزرگ این شهر، به
حوزه علمیه قم رفت و پس از ۱۱ سال
تحصیل در آنجا به نجف اشرف رفت تا

پنجاه و یکمین شماره ماهنامه
فرهنگی تاریخی "شاهد یاران" ویژه
یادمان شهید آیت الله محمدعلی
قاضی طباطبایی منتشر شد.

این ماهنامه به صاحب امتیازی
بنیاد شهید و امور ایثارگران، مدیر
مسئولی حسین دهقان و سردبیری
عباس خامه یار انتشار می یابد.

مطالب این شماره ماهنامه شاهد
یاران به شهید آیت الله محمدعلی
قاضی طباطبایی اختصاص دارد.
نخستین مطلب این ماهنامه، دیباچه ای
است با عنوان "شهید اندیشه و جهاد...".

در بخشی از این دیباچه آمده است:
شهید آیت الله قاضی طباطبایی که
وی را "خمینی آذربایجان"
می خوانند، به حق اثرگذارترین
چهره نهضت امام خمینی (ره) در
شمال غرب کشور است. وی در
مکتبی گرانسنگ تربیت یافت و از
محضر اساتیدی چون امام بهره گرفت
و با پشتوانه دودمان و سلسله ای از
عالمان بزرگ، منشاء برکات بی شمار

عذر تقصیر به پیشگاه محمد (ص) و قرآن

این مجموعه شامل سه کتاب درباره اتهامات غرب بر ضد قرآن و پیامبر اکرم (ص) و
توطئه های خاورشناسان علیه اسلام و مسلمین و علل پیشرفت سریع اسلام می باشد
نخستین بخش این مجموعه عذر تقصیر به پیشگاه حضرت محمد (ص) و قرآن می باشد که
اصل این کتاب در سال ۱۳۳۸ به چاپ رسیده است لیکن با توجه به اوضاع و احوال کنونی
که توطئه جدید نشر اکاذیب و اتهامات علیه قرآن و اسلام و پیامبر (ص) اوج گرفته ضرورت
دارد کتبی این چنین که به قلم متفکر حق شناس غربی به رشته تحریر در آمده در دسترس
اهل ایمان و فرهنگ قرار گیرد تا واقعیت های دنیای اسلام از زبان غریبان منصف و خداجوی
به مخاطبین عرضه گردد در این مجموعه که با عنوان عذر تقصیر به پیشگاه محمد (ص) و
قرآن منتشر شده دو ضمیمه مفید نیز با عناوینی چون «توطئه خاورشناسان» از مارگرت
مارکوس و «پیشرفت سریع اسلام» از دکتر واگلیری در کنار آن قرار گرفته است که
با توجه به توطئه های جدیدی که علیه اسلام در سطح اروپا و آمریکا به پیش کشیده می شود
از ویژگی های زمان حال نیز برخوردار باشد.

این کتاب به کوشش و با مقدمه استاد سید هادی خسروشاهی به عنوان نخستین جلد از مجموعه آثار
۱۲ جلدی مرحوم سید غلامرضا سعیدی تقدیم علاقمندان می گردد.



مولف:

جان دیون پورت

مترجم:

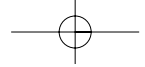
سید غلامرضا سعیدی

به کوشش:

سید هادی خسروشاهی

وزیری، چاپ اول.

۳۷۵ صفحه، ۳۲۰۰۰ ریال



اسلامگرایی در مصر



الاسلام هو الحل، اعتقاد و دلبستگی دارند و صرفاً رفتار و مشی مسالمت‌جویانه آن را نمی‌پسندند. از این زاویه آنچه باید تصحیح شود، رفتار سیاسی گروه به‌ویژه رهبرانش است و موضع‌گیری‌ها باید منطبق با اهداف شود. قبلاً هم گفتیم این گرایش دارای طرفدارانی اندک در خود اخوان نیز هست. در مقابل، برخی دیگر که تعدادشان هم بیشتر است، اصلاً با این نوع نگاه دینی مشکل دارند و آن را نمی‌پذیرند. ریشه این انتقاد به عقاید و نوشته‌های سید قطب بر می‌گردد. او از اخوانی‌های برجسته بود و نوشته‌هایش بلافاصله اثر زیادی بر فعالان اسلامگرا، چه در مصر و چه در سایر کشورهای منطقه گذاشت. او در نهایت توسط حکومت ناصر اعدام شد اما می‌دانیم عقاید و مشی وی هیچ‌گاه توسط رهبران اخوان مورد تصویب و پیگیری قرار نگرفت. در این زمینه کتاب حسن الهضیبی (دومین مرشد عام) با نام «دعاه لا قضاء» مشهور است که در سال ۱۹۶۹ با هدف پاسخگویی به سیدقطب و مودودی نوشته شد. او در این کتاب استدلال‌های قرآنی این دو را یک به یک طرح می‌کند و پاسخ می‌دهد و ضمناً تلاش می‌کند نوع تفسیرشان از قرآن را ضعیف و قابل‌خنده نشان دهد. البته این مساله (ضعف قطب در امر تفسیر) مورد توجه دیگر منتقدان هم بوده است. عمر تلمسانی هم بعدها به صراحت گفت که سیدقطب بیشتر نماینده خودش بوده تا نماینده اخوان. بنابراین به‌رغم شخصیت و جایگاه برجسته سیدقطب، نگرش وی به دلایل گوناگون در اخوان تداوم نیافت. در عوض، میراث وی توسط گروه‌هایی دیگر نگهداری و پیگیری شد یعنی برخی اسلامگرایان که اغلب هم از اخوان انشعاب کردند با متهم کردن این گروه به دور شدن از هدف اولیه و مقدس خود، بر لزوم احیای اصل جهاد به‌عنوان اصلی بنیادین و فراموش شده در اسلام تأکید کردند. این نوع تأکید و عمل بر اساس آن سبب می‌شود که اختلاف و مشکل با اخوان دیگر صرفاً بر سر شیوه عمل نباشد بلکه به نوع تلقی از متون دینی برگردد. به همین دلیل است که می‌بینیم رهبران رادیکالیسم اسلامی در مصر مانند ایمن الظواهری، ریشه «انحرافات» و «خطاهای» اخوانی‌ها را به زمان حسن البنا و ناتوانی در

سیاست نخبگان حاکم در برابر اخوان المسلمین و دیگر گروه‌های سیاسی و اجتماعی به یک معناروشن بوده است؛ یعنی این احزاب و گروه‌ها بخشی از واقعیت مصر معاصر هستند اما گستره و عمق فعالیت‌هایشان نباید به گونه‌ای باشد که به نقش موازنه‌گری (بالانس) دولت ضربه بزند و آن را تضعیف کند. از این رو هر گاه یک گروه رشد کند یا به هر دلیلی بیشتر مورد اقبال عمومی قرار گیرد، سرکوب و محدود می‌شود و در عوض گروه‌های ضعیف ممکن است به‌نوعی تقویت شوند. این وضعیت را در برخی از دیگر کشورهای منطقه هم شاهد هستیم. پس از ترور سادات در اکتبر ۱۹۸۱ که دولت با تهدید جدی اسلامگرایان رادیکال روبه‌رو بود، سرکوب شدید و همه‌جانبه گروه‌هایی مانند الجهاد و الجماعه الاسلامیه در دستور کار نیروهای امنیتی و انتظامی قرار گرفت و در عوض در برابر فعالیت‌های اخوان مماشات صورت گرفت. تلقی نخبگان حاکم آن بود که مشی مسالمت‌جویانه اخوان قابل‌مدیریت و کنترل است. در این دوره است که کاندیداهای اخوان وارد عرصه رقابت انتخابات پارلمانی می‌شوند و بدون مانع یا مشکل جدی به ائتلاف با سایر احزاب و گروه‌ها می‌پردازند. البته گاه بحران‌هایی و شدت و ضعف‌هایی در این روند مشاهده می‌شود مانند نیمه دهه ۱۹۸۰ اما به دلیل نیاز طرفین مماشات یا خویشتنداری صورت می‌گیرد و مداوم و مستمر نیست. این همسویی استراتژیک تا پایان دهه ۱۹۹۰ باقی بود. از اواخر دهه ۱۹۹۰ که فعالیت‌های گروه‌های رادیکال مصری کاهش یافت به‌خصوص انتشار بیانیه مشهور «آتش‌بس» در سال ۱۹۹۷ و فعالان رادیکالی مانند ایمن الظواهری به تدریج وارد فاز بین‌المللی شدند نیاز دولت به اخوان کاهش یافت. در واقع، تهدید گروه‌های اسلامگرای رادیکال در داخل به تدریج کاهش یافته بود اما اخوان رشد زیادی یافته بود. از این به بعد سیاست مماشات کنار گذاشته شد و ایجاد محدودیت برای فعالان اخوان در دستور قرار گرفت که هنوز هم ادامه دارد. شما شاهد هستید که در این چند سال تعداد زیادی از اعضا و هواداران گروه چه در قاهره و چه در شهرهای دیگر دستگیر شده‌اند. در خلال انتخابات پارلمانی ۲۰۰۵ نیز انواع و اقسام محدودیت‌ها بر سر راه تبلیغات و تجمعات اخوانی‌ها گذاشته شد. به عبارت دیگر، به‌رغم وقوع فعالیت‌های تروریستی یا تهدیداتی از سوی اسلامگرایان رادیکال همسو و همفکر با القاعده (مثل بمبگذاری در شرم‌الشیخ، حکومت فعلاً خطر اصلی را از جانب اخوان می‌بیند و قصد کنترل و محدود کردن بیشتر آن را دارد.

رابطه اخوان المسلمین با گروه‌های تندرو و سلفی به چه صورت بوده است؟
از ابتدا رابطه خوبی نبوده است. رهبری اخوان از ابتدا نگاه خاصی به متون و نصوص و نحوه تحقق شعارهایش داشته که مورد پسند بخشی از سلفی‌ها و رادیکال‌ها قرار نگرفته است. البته باید این توضیح را داد که مخالفت اینان با اخوان یک دست نیست و قابل تقسیم‌بندی به نظر می‌رسد: برخی از رادیکال‌ها به اهداف اخوان و نیز شعار مشهور آن یعنی

اهداف و شعارهای اخوان، رهبران فعلی‌اش را متهم می‌کند که با حکومت مصر به‌طور ناگفته‌ای هماهنگ عمل می‌کند و به رضایت یا سکوت حکومت در برابر شرکت در انتخابات پارلمانی بسنده کرده است. در عین حال نباید درباره حضور نیروهای تازه‌نفس و احتمالاً جوان در کادر رهبری اخوان اغراق کرد زیرا از یک طرف، چنان که گفتیم، تجربه، شیوه سازماندهی و سلسله‌مراتب گروه و همچنین نوع نگاه دینی در این ۸۰ سال چنان بوده است که رویه محافظه‌کارانه‌ای را بدان حاکم کرده که دگرگونی کامل آن توان و زمان زیادی می‌طلبد و از این رو نباید انتظار رادیکال شدن آن را داشت. از طرف دیگر نوع برخورد حکومت با اخوان که در چند سال اخیر کاملاً سرکوبگرانه بوده است، سمت و سوی رهبران جدید را تا حدودی مشخص و گزینه‌های رفتاری آنان را محدود می‌کند. بد نیست بدانیم این تغییرات در زمانی صورت می‌گیرد که مساله جانشینی مبارک (رئیس‌جمهور) در دو سال گذشته بسیار جدی شده و هرکس که جانشین وی شود، ناچار خواهد بود تغییراتی در سیاست‌های داخلی و خارجی کشور انجام دهد. مشکلات اقتصادی مصر و ناکارآمدی دستگاه‌های دولتی در چند سال اخیر چنان بوده است که انجام اصلاحات و طرح وعده‌هایی را دست‌کم برای کوتاه‌مدت ضروری می‌سازد. این امر می‌تواند فرصتی مناسب برای بازیگری جدی‌تر و اثرگذاری بیشتر به اخوانی‌ها بدهد به‌ویژه آنکه رشد مشکلات اقتصادی توجه عمومی بیشتری برای وعده‌های مذهبی و شعارهای آرمانگرایانه اخوان به ارمغان آورده است. در یک جمع‌بندی به نظر می‌رسد رهبری اخوان در حال آماده‌سازی خود برای بهره‌گیری از فرصتی قریب‌الوقوع (جانشینی مبارک) است اما نباید انتظار رادیکال شدن این گروه را داشت.

دوم آنکه، تغییری که در رفتارهای سیاسی این گروه مشاهده می‌شود و رهبران اخوان نیز منکر آن نبوده‌اند، یک تاکتیک است یا استراتژی؟ آیا اخوان واقعا به رقابت دموکراتیک گرایش دارد و به الزامات آن پایبند است یا آن را صرفاً ابزاری برای کسب قدرت می‌بیند؟ مساله اینجاست که این گروه همچنان به شعار «الاسلام هو الحل» اعتقاد دارد و وفادار است. همین امر موجب شده دو نوع تفسیر و تحلیل پدید آید: برخی از تحلیلگران نگاه بدبینانه‌ای به فعالیت‌های گروه‌های اسلامگرا - از جمله اخوان - دارند و تغییرات صورت گرفته را ظاهری و صوری و برای کسب قدرت سیاسی و تسخیر حکومت می‌بینند اما تعداد بیشتری از محققان و تحلیلگران که به نظر می‌رسد نگاه بی‌طرفانه و دقیق‌تری به رویدادهای منطقه دارند، این تغییرات را جدی ارزیابی می‌کنند. جالب است بدانیم دولت مصر همواره اخوانی‌ها را به بی‌اعتقادی به دموکراسی و در نتیجه بی‌صدافتی متهم کرده در حالی که خود در سرکوب شدید هرگونه مخالفتی هیچ‌گاه تردید نکرده است.

نحوه تعامل دولت حسنی مبارک با اخوان المسلمین در ۳۰ سال گذشته چه فراز و فرودهایی داشته است؟

تحولات مصر به عنوان یکی از تاثیرگذارترین کشورهای منطقه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. پیدایش گروه اخوان المسلمین در این کشور که به نوعی الهام‌بخش تمام جریانات اسلامگرا اعم از شیعه و سنی است در تحلیل مسائل گذشته و حال منطقه حائز اهمیت فراوانی است. در این خصوص و برای بررسی تحولات درونی اخوان المسلمین به طور خاص و جریان اسلامگرایی در مصر به طور عام با دکتر عبدالامیر نبوی، پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات خاورمیانه که در خصوص تحولات مصر و نیز روابط ایران و مصر صاحب‌نظر است به گفت‌وگویی مبسوط پرداختیم.

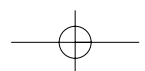
تحولات درونی اخوان المسلمین را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اخوان المسلمین مصر از بدو تاسیس در سال ۱۹۲۸ تاکنون تحولات و دگرگونی‌های زیادی را تجربه کرده که برخی نیز به اجبار و با هدف تداوم حیات و فعالیتش بوده است. این تحولات و دگرگونی‌ها امری مشهود و مورد اتفاق است. در واقع، طبیعی است که یک گروه سیاسی بکوشد خود را، هر چند ناگفته با شرایط متحول جهانی، منطقه‌ای و داخلی تطبیق دهد و راه‌های جدیدی را برای افزایش قدرت و تحقق اهدافش جست‌وجو کند. شرایط جدید گاه فرصت‌های تازه‌ای را در این زمینه در اختیار می‌گذارد یا موانعی را ایجاد می‌کند. به‌عنوان مثال، موج جهانی دموکراتیک‌سازی و محدودیت حکومت‌های اقتدارگرای خاورمیانه برای سرکوب گروه‌های مسالمت‌جو موجب شد فعالیت‌های آنها در این منطقه گسترش یابد و شدت بگیرد. از سوی دیگر، اختلاف نظر میان رهبران بر سر چگونگی گسترش فعالیت‌ها و نوع برخورد با قدرت حاکم، اگر به شیوه مناسبی مدیریت نشود و افزایش یابد، پراکنده شدن توان یک گروه را به دنبال می‌آورد. هر دو نکته و اثرگذاری آنها در مقاطعی از فعالیت‌های اخوان هم مشاهده می‌شود.

حال در مورد تحولات و تغییرات اخوان المسلمین مصر، دو پرسش مورد بحث و توجه است: نخست آنکه، تحولات درونی این گروه به چه سمت و سویی است؟

به نظر می‌رسد کادر رهبری اخوان به‌زودی شاهد تغییراتی باشد. طرح احتمال استعفای محمدمهدی عاکف در این زمینه مهم و نمادین است زیرا وی نخستین مرشد عام اخوان خواهد بود که استعفا می‌دهد و راه را برای انتخاب مرشد عام بعدی باز می‌کند. این امر می‌تواند راه را برای حضور و اثرگذاری دیگر نیروها و گرایش‌های درونی اخوان مساعد کند و حضور جدی‌تر گروه را در صحنه

سیاسی - اجتماعی مصر تسهیل کند. لازم است متذکر شویم که در درون اخوان گرایش‌های مختلفی وجود دارد و از دیرباز از سوی برخی از همین گرایش‌ها متهم به محافظه‌کاری سازمانی و عدم تطبیق با تحولات روز بوده است. یکی از دلایل انشعاب ابوالعلا ماضی و جریان حزب الوسط در اواخر دهه ۱۹۹۰ نیز همین نکته بود. همچنین گرایشی هرچند محدود به چشم می‌خورد که به‌رغم وفاداری به



مهم است، خود را نماینده تغییر وضعیت موجود و بهبود سریع امور معرفی می کنند. به عبارت دیگر، شعارها و آرمان های چنین گروه هایی برای قشرهای فقیر و حاشیه نشین امیدآفرین است و اعتراضات موجود را تجمع می کند. شاید نقل این مطلب از بابی سعید در اینجا مناسب باشد که حکومت اسلامی و عادلانه برای مسلمانان به معنای صرف یک نوع حکومت مانند دیگر حکومت ها نیست بلکه نشانگر تمامی پاکی ها، خوبی ها و آرزوهاست؛ در واقع دال اعظم به شمار می آید. از این رو شعار و خواست اسلامگرایان برای تاسیس یک حکومت اسلامی و عادلانه پیوند می خورد با تاریخ اسلام و نیز آرزوهای فروگرفته. اگرچه حاشیه نشینان اقتصادی - توسط برخی از تحلیلگران - مهم ترین حامی اسلامگرایی در خاورمیانه دانسته شده ولی به نظر می رسد باید به بعد فرهنگی این جریان بیشتر توجه کرد و مطالعات صورت گرفته درباره مصر هم آن را تایید می کند. بر این اساس از جا کنده شدن برخی افراد و مواجهه با تغییرات سریع فرهنگی و اجتماعی، بدون آنکه فرصت مناسبی برای هضم آنها وجود داشته باشد، نوعی درهم ریختگی روانی و حتی طبقاتی به دنبال می آورد که پیامد آن می تواند سهمناک باشد. امروزه هم این قشر در مصر که به لحاظ عددی پرتعداد و فراوان است به همراه بخش هایی از بخش مسلمان سنتی این کشور مهم ترین حامی جریان اسلامگرایی است. البته اگر سیاست های اقتصادی و اجتماعی دولت روزی سبب بهبود وضعیت عمومی شود و به خصوص طبقه متوسط جدید رشد کند، می توان حدس زد که حمایت از دیگر احزاب و گروه ها بیشتر شود. در آن صورت شاید شاهد ظهور گروه های جدید اسلامگرا در این کشور یا تغییرات جدی و کیفی در گروه های فعلی باشیم. این حالت بدان معناست که این گروه ها می خواهند آرمان ها و منافع طبقه متوسط جدید را در بازی قدرت نمایندگی کنند. البته با توجه به ساختار مناسبات قدرت در مصر و فساد اقتصادی موجود راه درازی در این زمینه در پیش است.

آشکار می شود. برای تکمیل این نکته باید اشاره کرد که در سال های اخیر دستاوردهای حزب عدالت و توسعه (ترکیه) سبب شده نمونه موفق دیگری از اسلامگرایی میانه رو در منطقه معرفی شود.

پایگاه مردمی اسلامگرایی در مصر را چگونه ارزیابی می کنید؟

اسلامگرایی در مصر به خصوص گروه اخوان المسلمین دارای پایگاه اجتماعی گسترده ای است. با توجه به آنکه شعارهای ساده و آرمانی نمادهای این جریان برای جامعه مذهبی



مصر از ابتدا جذاب بوده است اما در چند دهه اخیر، بیشترین توجه و اقبال به این جریان از سوی اقشار فقیر و حاشیه نشین صورت گرفته که با انواع مشکلات و فشارهای اقتصادی و اجتماعی مواجه بوده اند و از آن مهم تر در معرض تغییرات سریع فرهنگی و اجتماعی قرار داشته اند. روشن است که موجد و مسبب برخی از این مشکلات اقتصادی و تغییرات فرهنگی و اجتماعی، دولت و سیاست های قدرت حاکم (ناصر، سادات و مبارک) بود که نوعی اعتراض و نفرت علیه آن به وجود می آورد. این گروه ها با تصویر ساده و جذابی که از مسائل و نیز راه حل مشکلات ارائه می دهند به ویژه تاکید بر آرمان های اسلامی که برای جامعه مذهبی مصر

هم به طور معمول یکدیگر را قبول ندارند و نمی پذیرند. پس نمی توان گفت اخوان به عنوان نماینده یا نماد اسلامگرایی در مصر مورد پذیرش گروه های مختلف اسلامگراست. در عین حال، نمی توان منکر سابقه تاریخی و اهمیت امروزی جمعیت اخوان شد. این گروه نخستین جمعیت سازمان یافته و نسبتاً منسجم با شعارهای اسلامگرایانه در مصر است که پس از فراز و نشیب های فراوان تا به امروز ادامه حیات داده است. این امر بدان وجهه و تجربه منحصر به فردی بخشیده است. از طرف دیگر،

اخوان امروزه بزرگ ترین و جدی ترین رقیب نخبگان حاکم مصر است که از پایگاه اجتماعی گسترده ای برخوردار است. هیچ یک از دیگر احزاب و گروه های مصری در سال های اخیر نتوانسته اند چنین رقابتی انجام دهند. در نتیجه، اخوان امروزه بزرگ ترین گروه اسلامگرای مصر و بلکه خاورمیانه و شمال آفریقا است و مهم ترین نماینده اسلامگرایی میانه رو در خاورمیانه عربی به شمار می آید. با توجه به آنکه رادیکالیسم اسلامی، مشخصاً گروه القاعده، همچنان نتوانسته دستاورد مشخص و ملموسی به غیر از شعار و ادعا داشته باشد، اهمیت تجربه و فعالیت های اخوان برای کل جریان اسلامگرایی میانه رو در خاورمیانه عربی بیشتر

شناخت عمل صالح زمان بر می گرداند. البته شاید بتوان درباره دلیلی دیگر برای توضیح اختلاف و رقابت میان این گروه ها و جریان ها هم تامل کرد. چنانچه بپذیریم این گروه ها در وهله اول گروه هایی سیاسی هستند که با توجه به واقعیات موجود می خواهند سهمی از قدرت به دست آورند، پس طبیعی است که بکوشند توجه و نظر مثبت بخش بزرگ تری از افراد جامعه را به دست آورند تا در نهایت قدرت چانه زنی بیشتری با نخبگان سیاسی حاکم داشته باشند. این امر بدان معناست که همزمان باید اقبال عمومی به گروه های رقیب کاهش پیدا کند و آنان تضعیف شوند. از این منظر، رضایت اخوان از سرکوب و تضعیف رادیکالیسم اسلامی به دست قدرت سیاسی حاکم، هم به دلیل اختلاف مشرب و تفاوت نگاه دینی است و هم به خاطر آنکه رقیب از صحنه رقابت به کنار می رود.

به هر صورت، در مناظره میان این گروه ها، انواع و اقسام استدلال های درون دینی مطرح می شود. به عنوان مثال، در جریان شدت گرفتن اقدامات تروریستی و تخریبی رادیکال ها در دهه ۱۹۹۰ به خصوص سال های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷، اینگونه فعالیت ها طی بیانیه های اخوان و با استناد به دلایل دینی و مستندات مذهبی محکوم می شود.

آیا اسلامگرایان مصر، اخوان المسلمین را به عنوان نماد خود انتخاب کرده اند؟

خیر، به این دلیل ساده که اسلامگرایی در مصر فقط در گروه اخوان المسلمین متجلی نیست. در این چند دهه گروه های مختلفی پدیدار شده و فعالیت کرده اند که همه داعیه اسلامگرایی داشته اند، برخی مانند اخوان میانه رو بوده اند و بعضی مانند جماعه المسلمین (التکفیر والهجرة)، الجهاد و الجماعه الاسلامیه طرفدار روش ها و اقدامات رادیکالی. حزب الوسط هم بیشتر صبغه روشنفکرانه داشته است، بنابراین می توان گفت که در بررسی اسلامگرایی در مصر با یک طیف روبه رو هستیم، نه با یک جریان منسجم و یکدست. گروه های فعال سیاسی و مذهبی در این طیف

روپوران:

مبارک برای جانشینی فرزندش، فلسطینی ها را قربانی کرد

مبارک برای جانشینی فرزندش هر کاری می کند

روپوران علت دیگر گوش سپاری حسنی مبارک به اوامر آمریکا را تلاش مبارک برای موروثی کردن قدرت در مصر دانست و گفت: رئیس جمهور مصر در صدد است تا از طرف آمریکا و دیگر قدرت ها، اصل جانشینی فرزندش جمال مبارک را به ثمر برساند و به دنبال وراثت سیاسی و مشروعیت بخشی منطقه ای، به این تلاش خود است.

وی سکوت کشورهای عربی را عامل تحقق خواسته های اسرائیل و آمریکا در مصر دانست و افزود: در کشورهای عربی فقط اعتراض های مردمی بعضاً شنیده شده و دولت ها موضع خاصی نسبت به این اقدام نگرفته اند اما اگر مخالفت های مردمی گسترش یابد و دولت ها خود را تحت فشار ببینند، ممکن است بتوان از ادامه این طرح جنایتکارانه جلوگیری کرد.

وی با بیان اینکه علمای دینی در جهان اسلام این اقدام را جنایتکارانه و حرام دانسته اند، خاطرنشان کرد: شیخ یوسف قرضاوی از برجسته ترین روحانیون مصری که در قطر مستقر است نیز این اقدام را حرام اعلام کرده است و احزاب مختلف حتی در داخل مصر نیز نسبت به ساخت این دیوار موضع گیری کرده اند اما از آنجا که حسنی مبارک دولت مستقلاً ندارد و تحت تاثیر قدرت های دیگر از جمله آمریکا است در قبال مخالفت های داخلی مقاومت می کند.

این کارشناس مسائل خاورمیانه فراکسیون اخوان المسلمین مصر را نیز از جمله مخالفان اصلی ساخت دیوار حائل عنوان کرد و گفت: از آنجا که مصر ۲ میلیارد دلار از درآمد سالانه خود را توسط آمریکا تامین می کند نسبت به اعتراض های داخلی بی تفاوت است و خود را به مجری بی اراده خواسته های آمریکا تبدیل کرده است.

مصر هم دیوارهای فولادی ضد انفجار که توسط آمریکا ساخته شده، نصب می شود که به این ترتیب آب ها تماماً به طرف غزه هدایت می شود و نهایتاً نیز امکان ارسال مختصر کمک هایی که هم اکنون به ساکنین غزه از طریق تونل های زیرزمینی انجام می شود از بین می رود و ساکنان غزه مجبور به ترک خانه های خود می شوند.

مصر در جهت خفه کردن غزه قدم بر می دارد

روپوران با بیان اینکه یک سوم از کار ساخت این دیوار فولادی انجام شده، گفت: دولت حسنی مبارک در جهت خفه کردن کامل غزه گام بر می دارد و با این اقدام ضدانسانی، با مسدود کردن کانال های زیرزمینی، روزنه کمک های مردمی به ویژه در مرز رفح، زندگی یک و نیم میلیون نفر را در سختی و در آستانه فاجعه قرار می دهد.

یک کارشناس مسائل خاورمیانه، دولت مصر را مجری بی اراده خواست آمریکا در احداث دیوار فولادی در مرز با غزه دانست و گفت: مبارک با امتیازی که به رژیم صهیونیستی با این اقدام می دهد، به دنبال دریافت مشروعیت از آمریکا برای جانشینی "جمال" است.

حسین روپوران کارشناس مسائل خاورمیانه در گفتگو با "شبکه ایران" با اشاره به اهداف مصر از ایجاد دیوار فولادی در مرز با غزه تصریح کرد: در مرز مصر با غزه حفره های ۳۰ متری با مته های بزرگ در فاصله های منظم حفاری شده و آب دریای مدیترانه از طریق شبکه های آبرسانی، به داخل این حفره ها هدایت می شود که زمین های اطراف مرز و آب های زیرزمینی در این مناطق را شور خواهد کرد و امکان ایجاد تونل در دو طرف مرز از بین می رود.

وی افزود: از سوی دیگر، در طرف

اخوان المسلمین مصر؛ رهبری جدید و آینده سیاسی

فعالیت گروه‌های اخوان المسلمین در کشورهای عربی، یکی از دغدغه‌های رهبری تشکیلات بود و اندیشهٔ ایجاد یک سازمان بین‌المللی برای گروه‌های اخوانی در دههٔ پنجاه به وجود آمد. سرکوبگری ناصر، اولویت ایجاد این تشکل را قدری به تعویق انداخت، اما در دوران فراری بودن مرحوم مصطفی مشهور، مرشد پنجم، چارچوبی برای تحقق و اجرا پیدا کرد. دیدارهای مشهور از کویت و آلمان و اقامت در آن‌ها، شالودهٔ سازمان بین‌المللی اخوان المسلمین را پی ریزی کرد. تشکیلات بین‌المللی اخوان المسلمین از دو نهاد اساسی تشکیل شده است که عبارتند از:

۱- مجلس شورای تشکیلات بین‌المللی:

به مثابه کنگره بین‌المللی اخوان المسلمین است و سازمان‌های اخوانی عضو، می‌توانند بر اساس جمعیت و حجم تشکیلات حزبی خود تعدادی از اعضای خود را به این کنگره معرفی کنند.

۲- مکتب بین‌المللی ارشاد:

این نهاد از مرشد عام و هشت عضو از کشور و همچنین از اعضای شعب مختلف اخوان که توسط مجلس شورای تشکیلات بین‌المللی برگزیده می‌شوند، تشکیل می‌شود. علاوه بر این دو نهاد، تشکیلات و مؤسسات اقتصادی، فنی، صنفی و پژوهشی نیز در چارچوب تشکیلات بین‌المللی اخوان المسلمین فعالیت داشتند.

در تلاش و اقدام برای احیای حرکت اخوان المسلمین، بسیاری از شخصیت‌های اسلامی که منسوب به جریان اخوان المسلمین بودند یا برخی از افرادی که اصولاً عضو سازمانی و تشکیلاتی اخوان نبودند، پیشنهاد و انتقاداتی در جهت اصلاح، رشد و تکامل سازمان اخوان ارائه کردند. آن‌ها طی نگارش کتاب‌ها و مقالاتی، افکار خود را در باب چگونگی و ضرورت اصلاح جنبش تبیین کردند. از جمله: شیخ محمد غزالی، عمر التلمسانی، جابر رزق، صلاح شادی (مصر)، شیخ سعدی حوی (از رهبران اخوان سوریه) عبدالله نفیسی (کویت)، کمال هلباوی (مصر) راشد غنوشی (تونس)، فتحی یکن (لبنان)، شیخ فیصل مولوی (لبنان) و محفوظ نحناح (الجزایر).

همچنین روشنفکران اسلامی مستقل همچون: طارق البشری، دکتر محمد سلیم العوا، دکتر محمد عماره، دکتر سید دسوقی، دکتر جمال عطیه و دکتر کمال ابوالمجد (همگی از مصر) آرای اصلاحی و انتقادی خود را برای اصلاح حرکت اخوان المسلمین ارائه و پیشنهاد کردند. ولی اغلب این پیشنهادها از سوی رهبری اخوان مکتب ارشاد - مورد قبول واقع نشده است. آن‌ها معتقدند که حتی با قبول این پیشنهادها یا حتی تغییر نام سازمان، حاکمیت دیکتاتوری، امنیتی موجود، اجازه حضور فعال سیاسی در مصر به آن‌ها نخواهد داد و با توجه به ماهیت نظام حاکم، ظاهراً حق با رهبری اخوان است.

برخی از اخوانی‌های جهان عرب در بعد اندیشه و در زمینه اصلاح ساختاری، تلاش‌هایی برای اصلاح روند فکری و ساختاری اخوان، کرده‌اند از جمله:

۱- دکتر حسن الترابی در سودان: که مخالف با اندیشهٔ پیروی و تبعیت همگان از رهبری اخوان المسلمین مصر است. البته سازمان‌های اخوان سودان با اندیشه‌های حسن الترابی بعدها به دو گروه منشعب شد: گروه هوادار پیروی از

ویژه النظام الخاص، در تعیین مرشد مورد نظر خود پیشدستی کرد، ولی بخشی از کادرها و تشکیلات داخل و خارج مصر، این تعیین را نپذیرفتند و بحران واقعی در دستگاه رهبری اخوان به وجود آمد که با انتخاب مرحوم شیخ عمر التلمسانی به عنوان مسن‌ترین مؤسس عضو اخوان در سمت سومین مرشد، بحران مشروعیت رهبری به طور موقت فروکش کرد. کشمکش در رقابت میان رهبران مکتب ارشاد و رهبران دستگاه ویژه، همیشه معضل مشروعیت تاریخی رهبری را آشکار و تشکیلات را با مشکلات فراوانی روبرو می‌کند و بهانهٔ خوبی هم از سوی حاکمیت‌ها برای سرکوب اخوان است.

ب: ماهیت تشکیلات اخوان:

گروه اخوان در سال ۱۹۲۸ توسط حسن البنا به عنوان یک سازمان اسلامی، خیریه، تربیتی در پرتو قانون اساسی سال ۱۹۲۳ مصر، به طور رسمی ثبت شد. اما سازمان اخوان، پس از شهادت حسن البنا و در دوره افسران آزاد به علت پیروی نکردن از اندیشه‌های ملی‌گرا و قومی ناصری، توسط ناصر منحل اعلام شد. قانون اساسی مصر دوبار در سال ۱۹۵۶ و سال ۱۹۷۱ تغییر پیدا کرد. در پرتو قانون اساسی جدید، فعالیت‌های اجتماعی و عمومی طبق قانون احزاب (۱۹۷۷) یا قانون جمعیت‌های خیریه (سال ۱۹۶۴ که در سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۲ تغییر یافت) تنظیم شده است و اخوان، همچنان با پوشش قانونی حکومتی، از هر گونه فعالیت سیاسی محروم شد.

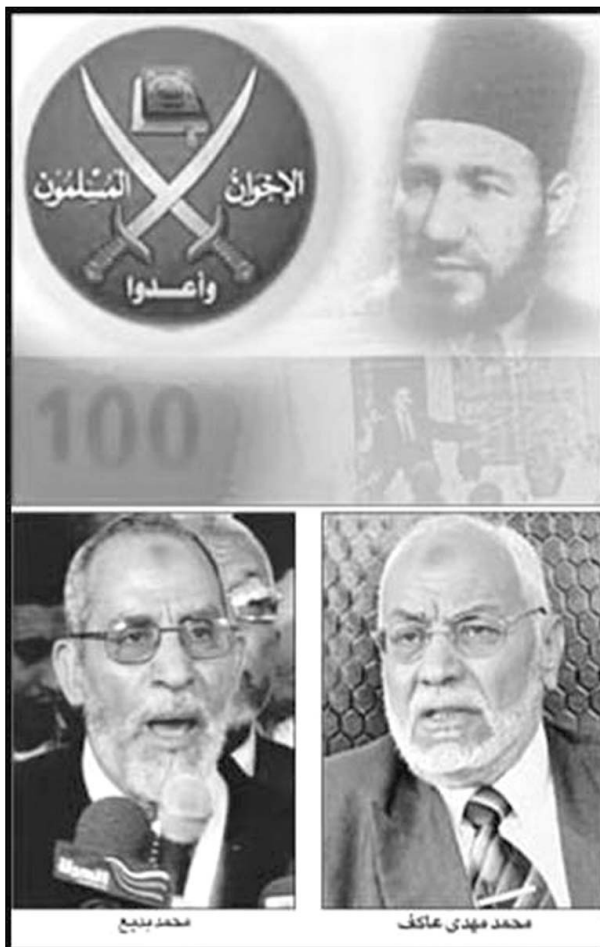
به عبارت دیگر، در اساسنامه اخوان المسلمین، ماهیت ساختار سازمانی به عنوان جمعیت تربیتی، اجتماعی و ارشادی معرفی شده است و اخوانی‌ها هنوز نتوانسته‌اند به توافق برسند که در اساسنامه خود تجدیدنظر کنند، لذا ماهیت ساختاری و اساسنامه تشکیلات اخوان هنوز برای فعالیت‌های سیاسی، مشکل زاست.

ج: معضل فعالیت قانونی اخوان المسلمین:

با آزادی اخوانی‌ها (۱۹۷۱-۷۵) از زندان، سادات به اخوان المسلمین اجازهٔ مشروط برای فعالیت مجدد و احیای سازمان را داد؛ جدایی دین از سیاست، برکناری رهبران دستگاه ویژه (تشکیلات مخفی) از مکتب ارشاد یا کمیتهٔ مرکزی و تغییر نام تشکیلات، از جمله شروط سادات برای حضور نوین اخوان المسلمین در صحنه سیاست مصر بود. رهبران اخوان با پیشنهادهای سادات موافقت نکردند و در نتیجه سرکوب و فشار و اتهام و دستگیری‌ها ادامه یافت.

د: مسائل تشکیلات در سطح بین‌المللی:

اشاره کردیم که هسته تشکیلاتی اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۸ در شهر اسماعیلیه به وجود آمد و پس از دو دهه افکار و اندیشه‌های حسن البنا و حزبی از مرزهای مصر گذشت و شعاع تأثیر فکری و سازمانی این جنبش از جاکارتا تا رباط امتداد پیدا کرد. سازماندهی و تنظیم نوع



شکی نیست که جنبش اخوان المسلمین از مه--م‌ترین حرکت‌های اسلامی تاریخ معاصر در دنیای اسلام است و طی ۷۵ سال گذشته، تأثیرات شگرفی در حوادث منطقه خاورمیانه و جهان اسلام و عرب داشته است. البته این جمعیت یا حزب نیز همچون سایر احزاب و جریان‌های سیاسی مراحل تاریخی مختلفی را سپری کرده است که می‌توان به مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر اشاره کرد:

۱- مرحله اول (تأسیس):

این دوران، از بنیانگذاری در سال ۱۹۲۸ م توسط شهید "حسن البنا" شروع می‌شود. در این مرحله، اخوان المسلمین از لحاظ تئوریک و ساختار سازمانی با رهبری مرشد اول و مؤسس آن شکل گرفت و با ترور حسن البنا در ۱۲ فوریه ۱۹۴۹ توسط عوامل ملک فاروق و به دستور انگلیس و آمریکا، طبق اسناد موجود، به پایان رسید.

۲- مرحله دوم (همکاری):

این مرحله با انتخاب "حسن الهضیبی" به عنوان مرشد دوم و سقوط نظام منحوس پادشاهی در مصر شروع می‌شود. در این مرحله، میان رهبران اخوان و افسران آزاد همراهی و وفاق کامل وجود داشت و سازمان نظامی اخوان در تغییر رژیم، کاملاً با گروه افسران آزاد همکاری کرد، ولی متأسفانه این دوره با سلطهٔ مستبدانه عبدالناصر و سرکوب تمامی مخالفان و دگراندیشان، به پایان رسید.

۳- مرحله سوم (تقابل):

افسران آزاد با دستگیری رهبران اخوان المسلمین و اعدام برخی از آن‌ها، همچون شهید عبدالقادر عوده و شهید شیخ محمد فرغلی و دیگران، در تلاش بودند که پایگاه مردمی اخوان را نابود کنند و قدرت و سلطه را در انحصار خود قرار دهند که با سرکوب وحشیانه و اعدام رهبران اخوان همراه بود. این مرحله با مرگ ناصر در سال ۱۹۷۰ خاتمه یافت. اعدام شهید سید قطب و صالح عشمای از آخرین جنایات ناصر قبل از مرگ بود.

۴- مرحله چهارم (آزادی تاکتیکی):

این مرحله با به قدرت رسیدن سادات آغاز شد. سادات برای مقابله با قدرت طلبی ناصریست‌ها و کمونیست‌ها، اخوانی‌ها را از زندان‌ها آزاد کرد. اخوان المسلمین در این مرحله، تحت رهبری شیخ "عمر التلمسانی" مرشد سوم، به ترمیم و ساماندهی تشکیلات و افشاکری جنایات حکومت فردی و دیکتاتوری ناصر و دوران حاکمیت وی پرداخت.

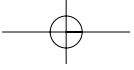
۵- مرحله پنجم (تقابل و تضاد):

این مرحله با دستگیری مجدد اخوانی‌ها در سال ۱۹۷۹ توسط سادات آغاز شد. اخوان المسلمین انتقادات شدیدی از سیاست سازشکارانه سادات و برقراری صلح ننگین با رژیم اشغالگر فلسطین کردند و نظام با ترندهای سیاسی و امنیتی، به سرکوب آن‌ها و دیگر مخالفین روند کمپ دیوید پرداخت و زندان‌های مصر از نو مملو از مخالفین شد.

رئیس جمهوری کنونی مصر حسنی مبارک نیز، همچنان از سیاست سادات و ناصر در مبارزه و محدودسازی رشد فرآیند پایگاه‌های اجتماعی جنبش اخوان المسلمین، پیروی می‌کند و تلاش دارد با ترندهای سیاسی و حقوقی، اخوان المسلمین را در صحنه سیاست مصر منزوی نگه دارد که با همکاری و موافقت کامل آمریکا و اسرائیل همراه است، ولی به رغم تمامی فشارها و سرکوب‌های مستمر، حرکت اخوان به فعالیت خود ادامه می‌دهد و ساختار تشکیلاتی اخوان المسلمین در مصر الگویی همچنان تاریخی، برای تشکل گروه‌ها و سازمان‌ها و احزاب اسلامی جهان عرب و اسلام به شمار می‌رود و به طور سنتی روی جریان‌ات سازمانی و فکری تشکیلات اسلام سیاسی، تأثیر می‌گذارد. البته باید مشکلات تشکیلاتی اخوان المسلمین را هم در سطح محلی (مصر) و هم در سطح منطقه‌ای (تشکیلات بین‌المللی اخوان) از نظر دور نداشت. در واقع مشکلات سازمانی اخوان المسلمین در مصر را می‌توان در محورهای زیر مورد بررسی قرار داد:

الف: مشروعیت تاریخی:

رهبری فعلی اخوان المسلمین: حاکمیت ناصر و همکاران امنیتی وی ضربات سخت و مهلکی به تشکیلات اخوان المسلمین وارد کرد. مرگ شیخ حسن الهضیبی مرشد دوم حزب و بحران انتخاب رهبری در تشکیلات اخوان، عمق فاجعه و چگونگی ضربه به ساختار تشکیلات حزب در دوران ناصر را به خوبی نشان داد. نباید فراموش کرد که دو نهاد تشکیلاتی در رهبری و تعیین مرشد اخوان المسلمین تأثیر کلیدی دارند: کمیته مرکزی (مکتب ارشاد) و تشکیلات ویژه (النظام الخاص) که هر کدام نقش مؤثری در هدایت و رهبری و تعیین خط مشی خود دارند. در پی فوت حسن الهضیبی، رهبری دستگاه



تشکیلات مصر با همان نام اخوان المسلمین به رهبری شیخ ماجد و گروه حسن الترابی که با نام های مختلف و سازمان‌های گوناگون و اکنون تحت عنوان المؤتمرالشعبی در سودان فعالیت دارد.

۲- جنبش النهضة تونس: این تشکیلات با اندیشه‌ها و افکار راشد الغنوشی رهبری می‌شود و به رغم اختلاف در دیدگاه، ارتباطات خوبی با اخوانی‌ها دارد. البته خود شیخ راشد، همچنان به حالت تبعید در لندن به سر می‌برد و اتهام عمده وی، طرفداری از انقلاب اسلامی ایران و حضرت امام خمینی(ره) است.

۳- جناح اصلاحی اخوان المسلمین اردن: این جناح با تلاش "عبدالمجید ذنیبات"، توانسته است دیدگاه‌های اصلاحی خود را بر سازمان مسلط و دیدگاه‌های سنتی جناح محمد عبدالرحمن خلیفه، مرشد قبلی اخوان اردن را محدود و منزوی کند.

۴- در الجزایر نیز حرکت اسلامی اخوان‌به رهبری مرحوم محفوظ نحاح، روش اصلاحی اخوان اردن را در پیش گرفت و برای همین منظور با دولت فعلی الجزایر همکاری کرد و نمایندگانی به پارلمان فرستاد که مورد اعتراض دیگر حرکت‌های اسلامی الجزایر قرار گرفت.

۵- جنبش حماس در فلسطین: این جنبش در واقع شعبهٔ تشکیلات اخوان در سرزمین‌های اشغالی است و هنوز هم ارتباط همه جانبهٔ نیرومندی با اخوان المسلمین مصر دارد، ولی این سازمان در اندیشه سیاسی و ادبیات ایدئولوژیک خود تغییراتی داده و در سایه همین تحولات، توانسته است به جهاد مسلحانه بر ضد اشغالگران ادامه دهد و همزمان روابط خوبی را با نظام‌های سیاسی قاهره و دمشق برقرار کند.

۶- جناح اصلاحی در داخل اخوان المسلمین مصر: در پرتو شرایط منطقه‌ای موجود و در پی فوت مرشد سوم اخوانی‌ها در سال ۱۹۸۶ این جناح رشد کرد. این جناح، هوادار خروج از پیلهٔ ساختاری گذشته و رفتار منطقی با مقتضیات زمانه و شرایط محلی و منطقه و جهان بوده‌است. ولی در گذشت‌های پی در پی رهبران انتخابی که همیشه از مسن ترین‌ها انتخاب می‌شوند و ممنوعیت سازمان از تشکیل جلسه عمومی مکتب ارشاد و سرکوب‌ها و دستگیری‌ها و محاکمه‌های مکرر توسط رژیم حاکم از زمان ناصر تا به امروز، باعث شده‌است که شرایط اصلاحات مورد نظر آماده نشود. ولی به رغم تمامی فشارها و سرکوب‌ها، سازمان

اخوان المسلمین مصر هم اکنون هم نیرومندترین تشکیلات سیاسی مصر است. تا آنجا که در آخرین انتخابات مصر، توانست به تنهایی ۱۸ نماینده به مجلس خلق کنونی بفرستد، ولی احزاب پنجگانهٔ مخالف: ناصری، چپ، تجمع اشتراکی، وفد و احرار، جمعاً فقط توانستند ۱۴ نماینده به مجلس بفرستند و روی همین اصل است که تحلیلگران سیاسی داخلی (مصر) و ناظران خارجی بر این باورند که در صورت سقوط حاکمیت فعلی، یگانه گزینه برای جانشینی، سازمان اخوان المسلمین خواهد بود و البته یکی از دلایل اصلی حفظ نظام حاکم بر مصر، از سوی آمریکا، همین مسأله اساسی است.

جماعت اخوان المسلمین مصر به عنوان مهمترین گروه مخالف دولت، "محمد بدیع" از جناح محافظه کار را به عنوان جانشین "محمد مهدی عاکف" به عنوان رهبر جدید برگزید تا تحلیلگران از تغییر در رویکرد سیاسی این جنبش سخن بگویند. محمد بدیع از جناح محافظه کار، جای محمد عاکف عضو "سپاهیان قدیمی" را در رهبری جنبش اخوان المسلمین مصر گرفت.

مدت ریاست مهدی عاکف بر اخوان المسلمین پایان یافت. وی در اکتبر سال گذشته میلادی تصمیم گرفته بود به سبب اختلافات داخلی میان محافظه کاران و اصلاح، از طلبان این جنبش کناره گیری کند.

عاکف در کنفرانس مطبوعاتی در قاهره تاکید کرد جانشین وی با توافق اعضای شورای مرکزی جنبش انتخاب شد. به گفته وی، اخوان المسلمین، طرح "پیشرفت و نجات امت اسلام" را دنبال می‌کنند.

به گفته تحلیلگران، جناح محافظه کار، نفوذ و سیطره خود را بر این جنبش همزمان با تعیین یکی از نمایندگان این جناح به عنوان هشتمین رهبر اخوان المسلمین تقویت کرد.

محمد بدیع این جنبش را برای یک دوره شش ساله می‌گیرد. عاکف در یک کنفرانس مطبوعاتی در مقر فراکسیون پارلمانی اخوان المسلمین در قاره اعلام کرد محمد بدیع با تایید و اجماع کامل تمامی اعضای شورای مرکزی که حدود ۱۰۵ عضو دارد، به عنوان رهبر جدید انتخاب شد.

بدیع نیز پس از انتخاب، بر تمایل خود برای ارسال پیام‌های آرام بخش و اطمینان بخش به حکومت مصر و قبطی‌ها (مسیحیان) و دیگر گروه‌های مخالف تاکید کرد. وی گفت: ما به حرکت گام به گام در جهت اصلاحات در

چارچوب مسالمت‌آمیز و مبارزه قانونی مبتنی بر شیوه‌های گفت‌وگو و خودداری از ارباب و تهدید، ایمان داریم و به همین سبب خشونت را در تمامی اشکالش چه از طرف حکومت‌ها، افراد، گروه‌ها یا نهادها محکوم می‌کنیم.

وی درباره موضع جنبش اخوان المسلمین در برابر حکومت مصر گفت: ما تاکید می‌کنیم که هرگز دشمن حکومت‌ها در مصر نبوده‌ایم، هر چند آنها همواره محدودیت‌هایی را بر ضد این جنبش اعمال می‌کرده‌اند، با این حال اخوان المسلمین همواره از ارائه توصیه‌ها و پیشنهادها برای خروج از بحران‌های پیاپی در کشور دریغ نکرده‌اند.

بدیع تاکید کرد:

اخوان المسلمین معتقد است حکومت مصر باید

آزادی‌های شخصی یا دموکراتیک و اصل تفکیک میان قوا را رعایت کند.

وی گفت: موضع ما در برابر برادران مسیحی در مصر و جهان اسلام و عرب کاملاً واضح و شفاف است، آنها شرکای ما در کشور و ساخت تمدن و همکاران ما در دفاع از اصول و توسعه و پیشرفت هستند. بدیع تاکید کرد: اخوان المسلمین معتقد است، اساس شهروندی، مشارکت کامل و برابری در حقوق و وظایف با حفظ مسائل شخصی افراد است. این جنبش در ماه‌های اخیر شاهد اختلافات داخلی درباره راهبردی که باید برگزیند، بوده‌است.

این اختلافات در کنار گذاشتن "محمد حبیب" معاون رهبر سابق و "عبدالمنعم ابوالفتوح" رهبر برجسته و نماینده جریان اصلاح طلب این جنبش در دسامبر گذشته، تاثیرگذار بود.

احتمال کاهش مشارکت

با وجودی که بدیع تاکید کرد جنبش اخوان المسلمین همچنان به فعالیت پارلمانی و صنفی و مدنی ادامه خواهد داد، اما تقویت سیطره جناح محافظه کار بر این جنبش به اعتقاد تحلیلگران ممکن است به مشارکت حداقلی اخوان المسلمین در فعالیت سیاسی منجر شود.

عبدالمنعم محمود از روزنامه نگاران نزدیک به اخوان المسلمین می‌گوید: با انتخاب محمد بدیع، اخوان المسلمین می‌خواهد بیش از پیش بر مسأله آموزش، فعالیت سازمانی و توجه کمتر به فعالیت سیاسی تکیه کند. "ضیاء رشوان" کارشناس مرکز مطالعات سیاسی و راهبردی الاهرام مصر هم معتقد است جنبش اخوان المسلمین توجه

کمتری به فعالیت سیاسی و به جای آن تمرکز بیشتری بر فعالیت ایدئولوژیکی خواهد داشت.

رهبر جدید اخوان المسلمین کیست

محمد بدیع در سال ۱۹۴۳ در المحله واقع در دلتای نیل مصر به دنیا آمد، وی به شغل دامپزشکی در "بنی سویف" واقع در ۱۰۰ کیلومتری جنوب قاهره اشتغال دارد. بدیع هشتمین مرشد جنبش اخوان المسلمین است.

بدیع سابقه ۱۳ سال حبس در زندان‌های حکومت مصر را دارد؛ وی اولین بار در سال ۱۹۶۴ به مدت نه سال و برای بار دوم در سال ۱۹۹۹ به مدت چهار سال به زندان افکنده شد.

وی استاد دانشگاه دامپزشکی در دانشگاه بنی سویف است.

محافظه کاران جنبش اخوان المسلمین خواستار تکیه بر "اسلامی شدن" جامعه مصر هستند در حالی که اصلاح‌طلبان بر شیوه نزدیک شدن به سیاست با گشایش و انعطاف‌پذیری در برابر ائتلاف با دیگر گروه‌های مخالف حکومت مصر تکیه می‌کنند. اکتبر گذشته، اختلافاتی در داخل جنبش اخوان المسلمین به وجد آمد که با توجه به تمایل شدید رهبران این جنبش برای محرمانه ماندن اوضاع داخلی آن، افشای این اختلافات یک حادثه نادر به شمار می‌رود. تغییرات در رهبری اخوان المسلمین در حالی انجام می‌شود که مصر برای برگزاری انتخابات پارلمانی در پاییز آینده و همچنین انتخابات ریاست جمهوری در آغاز سال ۲۰۱۱ آماده می‌شود.

جنبش اخوان المسلمین به عنوان یک حزب سیاسی اجازه فعالیت ندارد، اما مقام‌های مصر با وجود بازداشت منظم اعضای این گروه مخالف، تا حدودی از فعالیتهای آن چشم‌پوشی می‌کنند.

این جنبش در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۵ با کسب یک پنجم کرسی‌های پارلمان از طریق اعضایش که به عنوان مستقل به پارلمان راه یافتند، یک پیروزی تاریخی کسب کرد و همین موفقیت چشمگیر کافی بود تا حکومت حسنی مبارک که از سال ۱۹۸۱ همچنان ریاست جمهوری را در اختیار دارد، به طور منظم و مستمر، بازداشت اعضای این جنبش به ویژه رهبرانش را در دستورکار قرار دهد. در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۹، جنبش اخوان المسلمین اعلام کرد دفتر اجرایی جدیدی دارای گرایش محافظه کارانه و متمرکز بر دین را تعیین کرده‌است.

نکته جالب، انتخاب نشدن "محمد حبیب" مرد شماره دو جنبش اخوان المسلمین و عبدالمنعم ابوالفتوح اصلاح طلب است.

مخالفت علمای اسلام علیه فتوای الازهر در مورد دیوار غزه

این بیانیه شرکت در محاصره غزه و ساخت دیوار فولادی را در راستای باب فقهی زمینه سازی برای قتل دانسته و تاکید کردند که این اقدام قصاص یا دیه را واجب می کند بویژه اینکه با علم قبلی و به صورت عمدی انجام شده باشد. این دانشمندان از صادر کنندگان این فتوا خواستند تا به راه حق بازگردند آنها از دولت مصر نیز خواستند تا گوش های خود را بر سخنان علمای امت اسلام و آزادگان جهان علیه مشارکت مصر در قتل و خواری مردم غزه نبندند.

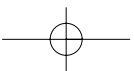
دانشگاه حکومتی الازهر اخیرا در اقدامی شگفت انگیز ساخت دیوار فولادی را در راستای محافظت از امنیت ملی مصر و جلوگیری از قاچاق کالا و مواد مخدر دانسته و آن را مشروع اعلام کرده است.

اقدامات مجمع و اصول مراکز فقهی در اتخاذ تصمیم ها و اجتهادات در تضاد است .

بنا بر این گزارش درباره بطلان مفهومی این فتوای الازهر نیز دانشمندان علوم دینی اعلام کردند که این فتوا با متون شرعی قطعی که از جهاد برای آزادسازی سرزمین ها و مقدسات و آزادی اسرا و پیروزی برادران دینی و انسانی حمایت می کند در تضاد است .

این بیانیه ادامه می دهد که مجمع مطالعات الازهر با این بیانیه بیانیه های پیشین خود در مورد خطر بزرگ اسرائیل علیه امت و مقدسات اسلامی را نقض کرده و باید علل این تناقض را توضیح دهد.

۸۶ عالم اسلامی با رد فتوای الازهر تاکید کردند : این فتوا جنبه انسانی در حق برادرانمان در غزه را نادیده گرفته است .



درگذشت عالم روشن بین و نیک اندیش

دکتر سید محمد ثقفی

تبار و اصالت

او، روستازاده ای که به تعبیر استاد اجل، روستازادگان دانشمند، به وزیری پادشاهان رفتند از روستای "غریب دوست" از بخش ترکمان شهرستان میانه بود، و به مدت ۶۰ سال در محضر عالمان برجسته ای بمانند علامه و مجتهد والامقام آیت الله حاج میرزا عبدالله مجتهدی و آیت الله شیخ احمد هری (ره)، مراتب علم و کمال را پیموده بود.

البته چه بسیارند شخصیت های برجسته ای که از دامن طبیعت و روستا برخاسته اند و نور علم شان همه عرصه جامعه را نورافشان کرده است.

به نقل جامعه شناسی علم:

از اولین مطالعاتی که در زمینه "جامعه شناسی علم" در حدود سال ۱۹۶۰ در آمریکا انتشار یافت، نشان می داد که نسبت قابل توجهی از زیست شناسان دارای منشأ روستایی بودند و حال آنکه دانشمندان فیزیک از طبقه متوسط از میان پروتستان ها بوده اند. ۲. و همینطور شهید سید قطب صاحب تفسیر "فی ظلال القرآن" از روستایی از "جیزه" مصر علیا و علامه شیخ محمدجواد مغنیه مؤلف معروف شیعی، از قریه "طردبا" از توابع جنوب لبنان، برخاسته بودند و همچنین اغلب مشاهیر و علماء عظام حوزه های علمیه...

اساتید:

استاد علیزاده خود در شرح زندگی خود نوشت،

درگذشت عالم روشن بین و نیک اندیش حجت الاسلام والمسلمین استاد حاج میرزا عمران علیزاده، استاد جامع حوزه علمیه تبریز در ۱۴ آذر ۱۳۸۸ به درود حیات گفت. و با تشییع جنازه با عظمتی که از طرف شاگردان و نخبگان شهر، برای آخرین بار بدرقه می شد، در قسمت مخصوص "مدفن عالمان اسلامی" وادی رحمت تبریز به خاک سپرده شد.

بنده و شاید صدها نفر امثال من، از دوران نخست طلبگی و تحصیلی خود که پا به صحن مدرسه طالبیه گذاشتیم، با چهره ای باوقار، متین، متواضع و مهربان روبرو بودیم که با سبک خاص خویش، در قلمرو علوم ادبی و اسلامی، حوزه درسی قابل توجهی را اداره می کرد...

شاید، اغراق نباشد که ادعا کنیم در حوزه علمیه تبریز، احدی از طلاب و فضلاب شهر نیابیم که از درس ها و اخلاق و تواضع استاد بهره مند نشده باشد. و کمتر کسی را می توان پیدا کرد که در محضر استاد علیزاده درسی نخوانده باشد. راستی او میان طلاب و شاگردان و علاقه مندان خود، از محبوبیتی بی بدیل، برخوردار بود، چرا و چگونه؟

این محبوبیت در اثر چه چیزی بود؟ با اینکه او در مدتی از طرف برخی از تنگ نظران مورد بی مهری قرار گرفته بود، چرا در میان طلاب و فرهنگیان شهر اینگونه از محبوبیت برخوردار بود؟

پاسخ دقیق این سؤال تعجب انگیز، یقیناً در



▲ ردیف نشسته: ۱- آیت الله علامه مجتهدی ۲- علامه محمدجواد مغنیه ۳- استاد عمران علیزاده ۴- سید بزرگوار جناب بنی هاشمی
ردیف ایستاده: ۱- سید بیوک موسوی ۲- محمد ثقفی ۳- استاد شادبادی ۴- مرحوم محمد سعادت ۵- برادر خانم آقای رسولی ۶- فرزند آقای بنی هاشمی

نام اساتید خود را چنین آورده است:

۱. شرح لمعه تا متاخر را در خدمت آیت الله حاج سید مهدی انگجی (ره)

۲. مقداری از رسائل را مرحوم آیت الله حاج سید هادی خسروشاهی

۳. کشف المراد و منظومه سبزداری را در محضر آیت الله سید مرتضی

و در ایامی که به مدت ۲ سال در حوزه علمیه قم حضور داشته، از محضر آیت الله موسوی اردبیلی مکاسب شیخ انصاری را کسب فیض کرده و مقداری از کشف المراد را در نزد آیت الله حاج سید حسین قاضی استفاده نموده و در جلسات تفسیر علامه طباطبائی هم حضور یافته است.

آنگاه که به تبریز بازگشت (۱۳۷۷ ه- ق) از محضر آیت الله مجتهدی بقیه مکاسب را بهره گرفته و دو جلد کفایه را در نزد آیت الله شیخ احمد آقا هری تلمذ کرده است.

همکاری با شهید قاضی طباطبائی

اوصاف و شرایط استادی جامع و کامل او بود که عالمان تربیت در وصف یک مربی نمونه بیان کرده اند. او نه تنها استاد بود، بلکه یک پدر، مربی و معلم نمونه بود. غزالی در احیاء العلوم، در وصف استاد و مربی کامل چنین می نویسد: معلم در قلب و روح انسان نفوذ می کند و بدون تردید شریف ترین مخلوق روی زمین انسان است و شریف ترین قسمت انسان، قلب او است که کار معلم پاکسازی آن و راهنمایی آن به سوی خداوند است. معلم به دانش آموزان مهر و محبت می ورزد و با ایشان همچون فرزندان خود رفتار می کند. از پیغمبر اسلام پیروی می کند و فقط برای رضای خدا آموزش می دهد و انتظار پاداش از دیگران ندارد، و از هرگونه خودنمایی و تکبر خودداری می کند. از راهنمایی دانش آموز، هیچ وقت غفلت نمی کند. تا می تواند دانش آموز را به طور غیرمستقیم از ارتکاب عمل زشت و اخلاق فاسد برحذر می دارد و از روش های مهر و محبت بیش از توبیخ استفاده می کند. ۱. و استاد علیزاده، چنین بود.



عمدتاً فرهنگیان شهر و آموزش و پرورش بودند، دست به قلم، گفته های استاد را یادداشت می کردند.

محصول آن جلسات تفسیری چندین مجلدی است که از تألیفات استاد علیزاده در مورد قرآن و نهج البلاغه و امثال و حکم حضرات معصومین چاپ شده است. البته در ایام سوگواری و شهادت ائمه هدی، روضه و عزاداری نیز به مناسبت روز برپا می گردید.

این جلسه شاید، ۴ سال طول داشت و مجلس علمی بسیار مفیدی بود که در روزهای جمعه، طرف



▲ مرحوم حجت الاسلام والمسلمین علیزاده

صبح در مسجدی در خیابان تربیت برگزار می شد. به علاوه تدریس تفسیر قرآن و نهج البلاغه که به طور مرتب در حوزه علمیه در مسجد مجتهد و آیت الله مجتهدی برای طلاب برگزار می گردید. یک روز که در سال گذشته در تبریز بودم، برای دیدن استاد به مسجد مجتهد مراجعه کردم، در حدود ۱۵۰ نفر از طلاب و روحانیان را مشاهده کردم که در درس تفسیر استاد حضور داشتند. می توان گفت که همه حوزه تبریز در مجلس درس استاد علیزاده حضور داشت.

روشن بینی

در عرصه روشن بینی، موضعگیری عالمانه و دور از خرافات استاد را می توان یادآوری کرد. دقیقاً یادم هست وقتی که در شهر، از روزگاران گذشته درباره "عزاداری های نامشروع" به مانند قمه زنی و... سخن می رفت، عده ای که خود در کتاب ها، فتوای نامشروع بودن آن را از اساتید خود نقل کرده بودند، ولی عملاً آن را ترویج می کردند، استاد علیزاده، چنین اظهارنظر می کرد که: "در زمان حضرت صادق(ع)، چنین مراسمی متداول نبوده است. و هرچه مکتوبی در این زمینه به دستش می رسید، آنرا پنهان می کرد. در مورد نقل روایات عاشورا و صحیح خواندن روضه عاشوراء، استاد علیزاده کتاب "لواعج الاشجان" مرحوم سید محسن جبل عاملی را ترجمه کرد و آن را زیر عنوان "قیام مختار و توأبین" منتشر نمود، تا وهنی برای اهل بیت واقع نشود و با هرگونه مبالغه گویی و نقل روایات نادرست، با تغییر قیافه خود، بمانند آیت الله انگجی، اعلام بهترین متون، مردم را به صحت گفتار و صدق اخبار هدایت نمایند. و در مورد قمه زنی، فتوا و نظر مرحوم آیت الله کاشف الغطاء را از

آن مقداری که بنده اطلاع دارم، استاد علیزاده، دقیقاً از دوران اولیه تحصیلی خود از وجوه شرعیه، استفاده نکرده است. بلکه او، از طریق کار کردن و تصحیح متون، کفاف زندگی را اداره کرده است.

در این بین (سال های تحصیل) خدای متعال روزی مرا از تصحیح کتاب تأمین نمود. کتاب "الانوار النعمانیة" سید نعمه الله جزایری را [جناب آقای بنی هاشمی] و کتابفروشی حقیقت چاپ می کردند. مرحوم علامه محقق حاج سید محمدعلی قاضی ابر آن کتاب [پاورقی می نوشت. من و واعظ دانشمند آقای حاج میرزا عیسی اهری که فعلاً ساکن تهران و از وعاظ معروف آنجا است، مأمور شدیم که کتاب را تصحیح نمایم که این کار از سال ۱۳۷۸ ه- تا سال ۱۳۸۲ ادامه یافت و پس از آن مرحوم (شهید) قاضی مقالات "جَنَّة المأوی علامه کاشف الغطاء را با مقدمه و تعلیقات (خود) آماده چاپ می کردند من آن را تصحیح کرده و کتابفروشی حقیقت آن را چاپ می کردند. (نامداران تاریخ، ج ۲، صفحه ۳۸۶، تألیف علیزاده)

استاد علیزاده بعهدہانیز، زندگی خود را از چاپ و فروش کتاب ها و نوشته های خود، تأمین می کرد.

رسالت روشن بینی و تعهد علمی

منظور از "رسالت" تعهد و احساس مسئولیتی است که یک انسان خلاق در برابر حوادث و رویدادهای فرهنگی - اجتماعی، با ارزیابی صحیحی، موضع گیری و اظهار نظر می کند و مقصود از "روشن بینی" آینده نگری، درک مقتضیات زمان، فهم صحیح فرهنگ و ذهنیت مخاطبان و در نتیجه مبارزه با کج اندیشی، خرافه گرایی و جمود و انجماد ذهنی و عینی است.

استاد علیزاده، دقیقاً چنین موضعی را داشت. او زمان را به عمق درک می کرد و نتیجه این درک و فهم، جانبداری عالمانه ایشان از رجال فرهنگی، علمی و روشن زمان بود، چه در عرصه فقه و فقهات و مرجعیت و چه در زمینه اجتماع و سیاست.

مفسران اسلامی در تفسیر واژه "ربّی" ربّانی که قرآن کریم در مورد برخی از عالمان اَمّت های گذشته به ویژه یهود، به کار می برد، توضیح می دهند که واژه ربّانی از ریشه ربّ به معنای خدا باشد نیست بلکه از ماده "ربّی" به معنای تربیت است و مربیان جامعه، کسانی بوده اند که با ستمگری و ظلم مبارزه کرده اند و در کنار پیامبران به تربیت نسل خود پرداخته اند. (و کاین من نبی قاتل معہ ربیون کثیر) و می توان آنان را در انطباق با "روشنفکران متعهد" مقایسه کرد که تربیت و نسل پروری را همراه با تعهدات ملی - اسلامی انجام می دهند.

امام علی(ع) فرموده است که: "من ربّانی این اَمّت اسلامی ام" (آنا ربّانی هذه الامة) (طبقات اجتماعی در قرآن کریم، خانم زهرا زهپویان) آری این عالمان روشن بین بوده اند که با تربیت نسل و دورنگری و زمان فهمی خود از عهده رسالت خود بر آمده اند و نسلی را با آگاهی و معرفت تربیت نموده اند. استاد علیزاده از این تیپ عالمان دینی بود.

جلسه تفسیری ویژه نخبگان فرهنگی

استاد علیزاده، در کنار تدریس در حوزه علمیه تبریز، به طور هفتگی جلسه درس تفسیری قرآن نهج البلاغه را برای عده ای از "فرهیختگان" و دبیران شهر تدریس می کرد. این جلسه که گهگاهی نگارنده نیز در آن حضور می یافتم، برعکس جلسات متعارف مذهبی که با بیشترین صرف وقت کمترین بهره علمی و مذهبی، عاید شنونده می شود، با برنامه ریزی خاصی، دقیقاً دو ساعت تفسیر علمی - لغوی - اجتماعی قرآن انجام می گرفت و حاضران مجلس که

یادمان

نیمه اول بهمن ماه – شماره ۲۰ – ۷



▲ ردیف نشسته: ۱- مرحوم هلالی ۲- علامه مغنیه ۳- استاد شادبادی ۴- علامه مجتهدی ۵- آقای بخشایشی ۶- استاد علیزاده ۷- آیت الله علامه سبحانی.

ردیف ایستاده: ۱- مرحوم سید بیوک موسوی ۲- آقای محمود رسولی ۳- دو پسر بچه نواده های آقای شجاعی.

اعتدال در راه

استاد علیزاده، هیچوقت حقیقت را نادیده نگرفت و به خاطر مصلحت زودگذر زمان ارزش ها و شخصیت های خدمتگذار فرهنگ اسلامی را بی احترام نکرد.

استاد علیزاده هرگز از بد آمدن روزگار خم به ابرو نیاورد و با استواری و استقامت روی تشخیص خود ایستاد و از عالمان و مراجع بزرگ که از شخصیت های برجسته جهان اسلام بودند، دفاع کرد و جانانه، توانش را هم پرداخت. او مرد تلاش و استقامت بود. او معتدل بود و راه اعتدال را که خط مستقیم اسلام است فراموش نکرد و چه جفاها که در این راه ندید؟

آری مدرسه علمی "چنین عالمان سخت کوش و روشنگر را در گذر زمان زیاد تربیت کرده است. اما دریغا که اکنون "مدرسه" گهگاهی به تنگ نظری مبتلا شده است و از پرورش چنین عالمانی لافاقل در حوزه شهر ما، عاجز مانده است و شاید از این جهت است که بازار "خانقاه" رونق گرفته. زیرا آنجا که "مدرسه" هر وقت که به تنگ نظری گرفتار آید، بازار خانقاه رونق می یابد که آن مدعی فقاہت است و این مدعی سماحت. آنکه مدعی بود "دست غریق" را بگیرد، امروز به آفت تعصب و تنگ نظری گرفتار آمده است!!

در عرصه سیاست

استاد علیزاده، بیشتر شخصیت تربیتی - فرهنگی بود و در عرصه سیاست به طور مستقیم و حرفه ای دخالت نداشت. اما این نه به آن معنا است که در نهضت اسلامی شرکت نکرده و از مسائل مبارزاتی و جبهه گیری علیه نظام طاغوت امتناع می ورزید. بلکه جلسات تفسیری او، به ویژه در دوران آغاز مبارزات اسلامی، تنها محفلی بود که روشنفکران دینی و مبارزان اسلامی، به صراحت بیانیه و اعلامیه های مراجع تقلید وقت و رهبر انقلاب را، که هنوز علنی نشده بود، می خواندند و شنوندگان و مخاطبین را از جریان امور آگاه می ساختند.

دقیقاً یادم هست که آقای دکتر ساریخانی که آن روزها دانشجوی دکتری پزشکی بود و با آیت الله طالقانی و مهندس بازرگان همکاری داشت اعلامیه های مرحوم آیت الله خمینی و مراجع قم و نجف را در جلسه تفسیری استاد علیزاده می خواندند و تحلیل می کردند و محفل دینی استاد علیزاده محل تجمع مبارزان اسلامی آن روز بود. در حالیکه بسیاری از روحانیون شهر چندان گرایشی به مبارزه و سیاست نداشتند.

او در آستانه انقلاب اسلامی، به دستور مراجع وقت، اداره کمیته ای را در محله خودشان به عهده داشت و از تعدیات و هرج و مرج اجتماعی ممانعت

آل فردوسی الاعلی" که آیت الله قاضی طباطبائی آن را به چاپ رسانده است نقل می کرد. و تأکید داشت به جای قمه زنی، خون خود را برای رفع نیاز نیازمندان به خون در بیمارستان ها، اهداء نمایید.

حوزه تربیتی و شاگردان

چنانچه یادآور شدم، حوزه تربیتی استاد منحصر به طلاب و فضلاء دینی نداشت بلکه استاد علیزاده علاوه بر تدریس فرهیختگان و فرهنگیان در روزهای جمعه، در دانشگاه آزاد اسلامی نیز تدریس داشت و متون فقهی و تاریخ فقاہت، تدریس می کرد.

جالب است که یادآور شوم، استاد علزاده با مرحوم دکتر علی ابوالفتحی و دادستان عمومی تبریز که از رهبران جبهه ملی وقت بود، رساله دکتری او را در مورد یکی از موضوعات فقهی، تنظیم می کردند و دکتر ابوالفتحی در نزد استاد علیزاده "شرایع الاسلام" محقق ثانی را درس می خواند.

و به این ترتیب دکتر ابوالفتحی در خدمت استاد بود و چه خدمات و گره گشایی هایی که استاد علیزاده با دست دکتر ابوالفتحی در تبریز انجام می داد.

نوشته ها و تألیفات

استاد علیزاده بیش از چهل کتاب کوچک و بزرگ، تألیف و ترجمه دارد که همه دانشجویان و فضلاء و طلاب آنها را می شناسند. اما به نظر نگارنده از بهترین کتاب های او، "مثلهای حضرات معصومین" و "نامداران تاریخ" است مثلهای حضرات معصومین بمانند سخنان محمدجواد فاضل و غررالحکم آمدی درباره جملات و فقرات امثال و حکم بی شماری است که از امامان نقل شده است.

و کتاب ارزنده "نامداران تاریخ" تراجم و شرح حال دانشمندان اسلام و بویژه شرح حال عالمان بزرگ استان آذربایجان اند که اثر وجودی شان، آفاق کشور را عطر افشانی کرده اند.

یک عالم، استاد حوزه علمی شهری، برخاسته از یک روستای دورافتاده ای، این چنین تربیت یافته، رشد کرده، تعلیم کرده، تربیت نموده، کتاب نوشته و اینها همه دلیل بر خلافت و تلاش دایمی و پی گیر شخصیتی است که عمرش را در تدریس و تعلیم برای همگان سپری کرده است. جزاه الله خیراً!

مرحوم آیت الله سید محمد شیرازی که استاد علیزاده نماینده شرعی ایشان در تبریز و مقسم شهریہ وی بود. تأکید داشت که باید عالم و روحانی دست به قلم شود و کتاب بنویسد تحقیق کند و با شرق و غرب عالم (بمانند خود حضرت شیرازی) ارتباط داشته باشد.

آری اگر استاد علیزاده از صدقه جاریه و داشتن فرزند محروم بود، ولی صدقات دائمی و جاریه ایشان وجود دهها کتاب آموزنده و صدها فرهیخته فرهنگی، علمی و دینی هستند که در همه شهر و... حضور دارند. کدام عالمی است بعد از صاحب "زحانه الادب" در زمینه شرح حال دانشمندان کتاب بنویسد؟

عشق به اهل بیت

سال ها پیش بود، ایام محرم به تبریز آمدم که به آذربایجان شوری برای تبلیغ در ایام محرم، بروم (آن روزها در شهر برای امثال من، از طرف عده ای انحصار طلب جایی نبود) به منزل استاد علیزاده رفتم، دیدم مرحوم آقای حاج علی اکبر آقا پاینده، مرد مبارز و مسئول و فرهنگی متعهد که تازه پسرش، "علی آقا" شهید شده بود، حقاً پسری باادب، تربیت یافته و متینی بود. راستی چه گل های زیبایی شهید شدند. آری از:

"از خون شهیدان وطن لاله دمیده"

از خون چنان جوانان پاک و دلباخته اهل بیت بودند که درخت انقلاب اسلامی آبیاری شد و تنها هدف پاک آنها، احترام و اجرای ارزش های والای اسلامی بود. که امروزه متأسفانه توسط عده ای، این چنین مورد هجوم قرار می گیرد، چنان گریه می کردند که دل آدمی کباب می شد.

به بندر رحمانلو رسیده بود. استاد سبحانی پیشنهاد کرد که سوار کشتی شویم و در روی دریا گشتی بزنیم. مغنیه بسیار خوشحال بود و از لطف و محبت عالمان دینی منطقه و آیت الله مجتهدی بسیار مشعوف شد. بعدها، علامه مغنیه این سفر فراموش نشدنی و خدمات جناب حجت الاسلام شادبادی را در نامه ای تشکرآمیز به حجت اسلام شادبادی، با آن قلم روان عربی خود، نوشته بود. وصف جمال دل آرای باغ مرحوم شجاعی را با باغ بهشت به طور رومانتیکی مقایسه کرده بود و از لطف و تواضع آیت الله مجتهدی یادآور شده بود که: حَقّاً اَنْ رَوْحَہِی سِرّ الاسرار و لَحْن الاوتار. روح باصفای او راز رازها و صدای تارها است.

کتابی که مرحوم مغنیه این خاطره و سفر دلنشین را در شرح حال خود به قلم خویش نوشته بود "حیاتی بقلمی" بسیار زیبا ترسیم کرده و از آن سفر و سیر و سیاحت و شعر و مدح اهل بیت یاد می کند. عکس های آن محفل باصفا در کتاب "نامداران تاریخ" استاد علیزاده چاپ شده است. (و ما در این مقال آن ها را می آوریم)

آخرین دیدار

چندی پیش که به دعوت برادر ارجمند و فرزانه ام جناب استاد فرزانه به تبریز رفته بودم که در جلسه دینی - علمی آیت الله اشرافی که خوشبختانه به وسیله دوستان آن مرحوم و نخبگان شهر هنوز تداوم دارد و استاد فرزانه به صورت جایگزین شایسته ای برای آیت الله اشرافی در آمده است سخنرانی داشت. بسیار جای خوشوقتی است که اسلام عقلانی که از مدت ها پیش به وسیله آیت الله اشرافی در تبریز گسترش داشت به معارف اسلامی عمیق و معقول و روشنگرانه او ارایه می شد، امروز به وسیله ایشان تداوم می یابد. آری بنده هم گهگاهی در این مجلس شرکت می نمایم و از تداوم فضای فرهنگی - علمی حاکم بر آن محفل لذت می برم. باشد که آن محفل، با مخاطبان خاص خود، روح امید و عقلانیت را دوام بخشد و این فرهنگ پویای اسلامی را در دنیای آکنده از خواب زدگی ها، اعجاز گوییهای نه چندان معقول گسترش دهد.

عصر آن روز به مسجد مرکزی میدان مقصودیه آمدم که استاد علیزاده در این اواخر در آنجا اقامه نماز جماعت می نمود. دیدم آثار مرض در چهره و زبانش دیده می شود. اما او همچنان رسالت خود را انجام می داد و با خستگی سنگین بعد از نماز، تفسیر دو آیه قرآنی را برای شنوندگان دوست داشتنی خود، بیان می کرد مردم خوشحال بودند و از ادامه حیات مفسر تبریز اظهار مسرت می کردند. بعد از نماز استاد را دیدم، تفقدی کرد و خداحافظی نمودیم. اما متأسفانه بعد از گذشت چند روز، خبر وفات آن مرحوم را جناب فرزانه تلفنی ابلاغ فرمود.

او، از دنیا رفت با کوله باری از خدمات علمی و دینی و کتاب های مفید، و در حیات جاوید، جای گرفت. رحمه الله علیه رحمه واسعه

استاد علیزاده از مال و ثروت دنیا، تنها کتاب های خود و خانه ای که اخیراً به وسیله نیکوکاری بازسازی شده بود، چیزی نداشت. می گفت: وصیت کرده ام، کتاب هایم را به کتابخانه شهر انتقال دهند که این، خود، یک خیراندیشی نیک فرجامی است.

فقدان این عالم روشن بین و خدمتگزار را به خانواده آن مرحوم، فرهنگیان، مردم شهر و نخبگان، بازاریان متدین، طلاب و فضلاء حوزه علمیه تبریز، عالمان دینی دوستان آن مرحوم تسلیت می گویم. روحش شاد، راهش پرامرو باد.

قم: سید محمد تقفی ۸۷/۹/۱۹

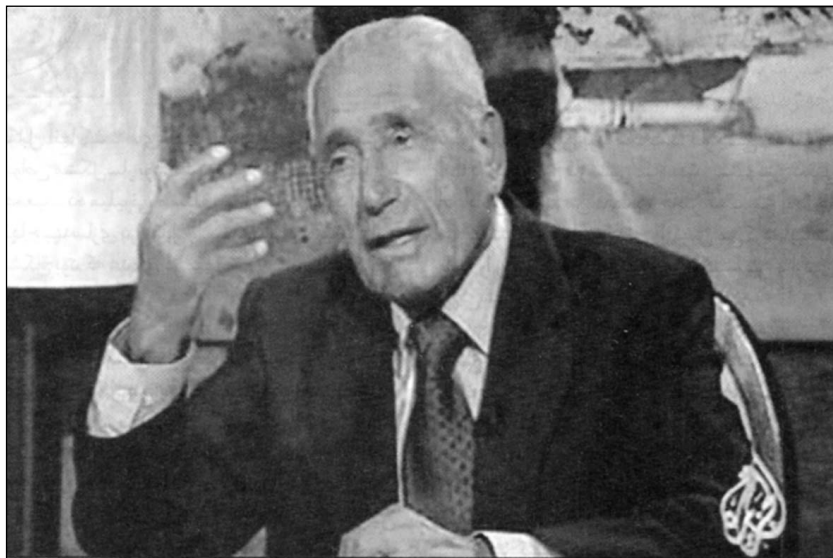
۱. به نقل از: دکتر علی اکبر شعاری نژاد، فلسفه آموزش و پرورش، صفحه ۳۹۷ - ۸، امیرکبیر، ۱۳۷۲
۲. دکتر منوچهر محسنی: مبانی جامعه شناسی علم: صفحه - ۱۷۸ کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۷۲.



نقشه قدیمی دشمن مشکلی برای نظام و استقامت رهبری

گفتگوی الجزیره با محمدحسین هیکل درباره انتخابات ایران و وقایع پس از آن

محمدحسین هیکل روزنامه نگار و نویسنده مشهور مصری یکی دو هفته بعد از انتخابات ایران گفتگویی کرد با شبکه تلویزیونی الجزیره و در آن انتخابات ایران و پیامدهای پس از آن را تحلیل کرد. نگاه یک روزنامه نگار عرب به انتخابات ایران و حوادث پس از آن خواندنی است. آنچه می خوانید خلاصه ایست از گفتگوی او با الجزیره.



آنچه رخ داد، ضربه زد به اقتدار و چهره آن... هیکل: اگر این مسائل به حال خود رها شود، اقتدار از بین می رود و این بر از بین رفتن نفوذ و سایر عوامل تأثیر دارد. به نظرم این امتحانی پیش روی رهبر انقلاب ایران است. اعتقاد دارم که آنها در برابر از بین رفتن اقتدار یا ضربه خوردن اقتدار قرار دارند. مسئله ای برای نظام به وجود آمد که می توان آن را طبق زبان عربی رایج عملیات آبروریزی نامید، چون جناح های نظام، در برابر همدیگر متخاصم به نظر می رسیدند و رهبر وارد عمل شد و سعی می کرد که مسائل حل شود. این در ذات خود بسیار خطرناک است چون رهبر وظیفه اش این است که داوری کند میان جریان ها. **عبدالغنی:** و بنابراین طرفدار یک جناح به نظر می رسد...

هیکل: نه. من نمی خواهم بگویم که رهبر طرف یک جناح بودند. احمدی نژاد ایستاد و خانواده رفسنجانی را متهم کرد، من سخنرانی رهبر را دنبال کردم که ایستاد و از رفسنجانی دفاع کرد، راجع به خانواده اش صحبت نکرد؛ ولی از رفسنجانی دفاع کردند. در این جا من رئیس جمهوری را می بینم که چیزی گفته و رهبری را می بینم که صحبت دیگری داشته

متراکمی میان قطب های نظام وجود دارد و هنگامی که همه شروع به سخن گفتن کردند، حقایق فاش شد که به نظرم بیشتر از آن بود که آنها قصد داشتند فاش شود. وقتی که دچار یک اشتباه می شوید اگر یک طرح برای مقابله با آن نداشته باشید در برابر یک مشکل قرار می گیرید. بنده به نظرم نظام با این مشکل روبه رو شد و آن را پیش بینی نمی کرد.

عبدالغنی: ایران حتی در دوران انقلاب اسلامی شاهد موجی از اعتراضات بود. آنچه که این دفعه متمایز بود فقط طولانی بودن راهپیمایی ها و جمعیت هزاران نفری که در آن شرکت کردند، و مقابله خشنی که شاید در موردش مبالغه گویی شده، نبود. ماجرای این دفعه باعث شکاف در میان نخبگان شد. همچنین در میان مجموعه روحانیون اصلی ایران.

هیکل: در ظاهر رویدادها، این درست است. ولی پایه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نظام پابرجاست. قم پشت سر رهبر محکم است. مسئله اختلافات میان افراد است. نظام انقلاب ایران هنوز تا این لحظه استوار است.

عبدالغنی: بسیار خوب. چه اتفاقی رخ داده است؟ آیا در مشروعیت نظام شکاف ایجاد شده است؟

هیکل: من می گویم نه. شما در مورد مشروعیت نظام صحبت می کنید. می خواهم به شما بگویم که احمدی نژاد با رأی اکثریت انتخاب شد که به نظرم بنا بر گواهی همه خبرنگاران و همه ناظران و حتی گواهی غربی ها و همه کسانی که در صحنه بودند، شکی در آن نیست. این، سکوت طولانی مدت اوباما را در مورد نتایج انتخابات

توجیه می کند. ممکن است برخی دخالت ها صورت گرفته باشد ولی به طور یقین کسی مخالفت نمی کند با این که احمدی نژاد برنده بود و این که اکنون قدرت رهبری هنوز کنترل اوضاع را در دست دارد و این که این، معنایش اوضاع بسیار باثبات نظام است؛ بیش از آن چه که ما تصور می کنیم، این نظام دارای دستاوردهای حقیقی است. با این شکل نمی توان آن را شکست داد.

عبدالغنی: یعنی شما با دیدگاه یک نویسنده آمریکایی که نوشته بود "نظام بر خطرناک ترین شورشی که پس از تقریباً ۳۰ سال با آن روبرو شد و نتیجه دخالت زیادی احساسات در انتخابات بود پیروز خواهد شد". شما می گوید که شکاف جدی در مشروعیت نظام به وجود نیامده، خللی در نظام ولایت فقیه روی نداده و زود است که گفته شود نظام جمهوری انقلاب اسلامی پایان یافته. در عین حال می گوید که

هر کشوری در جهان بر پایه هایی استوار است. هر نظام اولاً بر نیرویی حقیقی تکیه دارد که عبارت است از پیشینه تاریخی آن در منطقه. نیاز دوم هر نظام این است که روی جایگاه جغرافیایی و تاریخی اش امکاناتی حقیقی مانند صنعت و کشاورزی و غیر بنا شود. نیاز سوم این است که این نظام بر اطراف خود نفوذ داشته باشد؛ چون ارزش هر کشور در عصر جدید با میزان نفوذش در داخل مرزهایش ارزیابی نمی شود؛ بلکه با تأثیرات آن در بیرون مرزها اندازه گیری می شود. در اینجا معیار قدرت در جامعه و رقابت میان کشورها و میان قدرت ها است. نیاز چهارم عبارت است از شخصیت و اقتدار که از همه اینها مهم تر است.

به نظرم آن چه که در ایران رخ داد بر روی چهره نظام تأثیر گذاشت. چه بخواهند یا نخواهند، نظام دچار یک آبروریزی شد که به نظرم ضرورت برای آن وجود نداشت. بخش هایی از نفوذ ایران در منطقه تحت تأثیر قرار گرفت ولی به طور یقین آسیب ندید. خیلی آسان است که کسی بگوید که همه این ها توطئه های خارجی است. و بسیار آسان است که کسی بگوید که همه این ها اشتباهات داخلی است. اشتباهات داخلی وجود دارد ولی...

عبدالغنی: ولی یک سوء استفاده از آن رخ داد.

هیکل: نمی توان سوء استفاده کرد مگر اینکه زمینه ای در برابران باشد. طولانی شدن موجودیت باعث ایجاد اعتماد به نفس زیادی شد تا غافلگیر شوند. یک اشتباه وقتی بود که وارد انتخابات شدند. آنها تمایل داشتند از شیوه های مدرن تقلید کنند و گفتند مناظره هایی مستقیم میان کاندیداها برگزار خواهند کرد. این در ذات خود بسیار خوب است. ولی در ذهنتان باید باقی بماند که همه این کاندیداها از فرزندان انقلاب اسلامی هستند هر چهارتا. قضاییایی مورد اختلاف میان شان نیست و اختلاف حتماً شخصی است و در نتیجه ما شاهد بودیم که احمدی نژاد سخنی می گوید علیه رفسنجانی... و فساد خانواده اش... علیه موسوی سخن می گوید و موسوی به احمدی نژاد پاسخ می دهد. به دلیل ماندن زیاد در حاکمیت، قضایا و مشکلات

عبدالغنی: در آغاز دهه پنجاه شما کتاب مشهور خود را نوشتید با نام "ایران بر فراز آتشفشان" به نظر می رسد که ایران مجدداً بر فراز آتشفشان قرار دارد...

هیکل: بله بنده سال ها قبل کتاب ایران بر فراز آتشفشان نوشته ام. در واقع من توجه بسیاری زیادی به ایران و انقلاب اسلامی دارم. این اهتمام من به ایران بخشی از اهتمام من به مصر است. ایران و مصر دو نیروی اصلی در منطقه هستند. یکی در شمال شرق است و یکی در آفریقا در لبه قاره های آفریقا و آسیا. من در زمان مصدق در سال ۱۹۵۱ به آنجا

نظام تحت تهدید نیست. گاهی فراموش می کنیم که این کشور کشوری است که به لحاظ امنیتی در معرض تهدید است. این کشور دو حکومت و دو ارتش دارد. شما حکومت رهبر و حکومت دولت را دارید. شما سپاه انقلاب و ارتش کشور را دارید. شما در مورد نظامی سخن می گوید که بسیار قوی است و این زلزله ها در آن اثر ندارد.

رفتم و آن انقلاب را پوشش دادم و اولین کتابم را نوشتم که همان ایران بر فراز آتشفشان است. بعدها در انقلاب امام خمینی در سال ۱۹۸۰ به ایران رفتم و همچنین قبل از آن و پس از آن. در پاریس و قم او را دیدم و برخی از وقایع انقلاب را برای سان تایمز پوشش دادم و کتابی نوشتم که تقریباً به ۲۹ زبان چاپ شد. آمریکایی ها اسم آن را برای چاپ در آمریکا "داستانی که دیده نمی شود" گذاشتند.

آنچه که این بار در ایران رخ داد (جهت اطلاع شما می گویم) تحول بزرگی در سطح نهضت مصدق یا در سطح انقلاب خمینی نیست. اما اکنون ما در برابر لحظه ای قرار داریم که به نظر برای ایران بسیار حساس است.

عبدالغنی: شما وقتی می گوید توجه به مسائل ایران در این لحظه در واقع توجه به اوضاع مصر و اوضاع کشورهای عربی است، عمق استراتژیک بزرگی به بحث می دهید.

هیکل: این توجه، توجه با امنیت منطقه است. بگذارید بگویم در ایران چه رخ داده است.



است. رهبری در تمایلش برای بهبود بخشیدن به اوضاع راه حل های میانی اعمال کرد که جزو وظیفه اش نیست. چون او بالاخره یک مرجعیت عالی است. در اینجا بنده تصور می کنم که نظام واقعاً شروع به تلاش جهت بهبود بخشیدن به اوضاع کرد. ولی همیشه و همواره همه مشکلات مربوط به افراد است. محدوده ای برای اختلافات وجود دارد. ولی فاجعه بزرگ وقتی است که مسائل به جایی می رسد که عنصر شخصی در آن تأثیرگذار است.

عبدالغنی: آیا ما در برابر مرحله ای قرار داریم که سلسله نخبگان حاکم در ایران از هم خواهد پاشید و یا این که ما شاهد مرحله ای خواهیم بود که ممکن است این شکاف ترمیم شود...

هیکل: بنده به چند دلیل اعتقاد دارم که می توان مسائل را ترمیم و از آن عبور کرد. دلیل اول این که نظام هنوز قوی است. دلیل دوم این که

اما او تصمیم میانی نگرفت و ایستاد. ایران عقب نشینی نکرد. اگر شروع به عقب نشینی کنند دیگر پایانی برای آن وجود ندارد. ایران پیشرفته تر خواهد شد.

عبدالغنی: آیا شما اعتقاد دارید که تضعیف و یا تلاش برای تضعیف ایران در این بحران برای کمک به سناریوی حل و فصل سیاسی مناقشه خاور میانه بویژه درباره فلسطین است؟ آیا معتقدید ایران و دوستان و هم پیمانانش نخواهند توانست با اجحاف در حق فلسطینی ها در روند حل و فصل مسئله فلسطین مقابله کنند؟

هیكل: ایران و هم پیمانانش با حل و فصل این قضیه در صورتی که با اجحاف به فلسطینی ها همراه باشد مخالفت خواهند کرد.

عبدالغنی: یعنی در روند حل و فصل ماجرای خاور میانه در صورتی که همراه با اجحاف به مردم فلسطین باشد، مانع تراشی خواهند کرد.

هیكل: یک مسئله به شما بگویم. حل و فصل نهایی ماجرای فلسطین غیرممکن است؛ چه مداخله ایران باشد چه نباشد. فلسطینیان در



فلسطین حضور دارند. در کشورهای اطراف فلسطین حضور دارند. قضیه قضیه ملتی است که سرزمینی دارد در حال گم شدن. با ایران و بدون ایران برای این ها راه حل پیدا نمی شود. خواهید دید که تلاش هایی جهت اعمال برخی مسائل انجام خواهد شد و وارد مرحله ای بسیار سخت خواهیم شد. ولی من اعتقاد دارد که آنچه راه حل و فصل نهایی می نامند جز با نسل کشی ملت فلسطین امکان تحقق ندارد.

عبدالغنی: آیا آنچه که شاهدش خواهیم بود یک کشمکش برای در دست گرفتن رهبری منطقه خاورمیانه میان ایران و اسرائیل خواهد بود؟

هیكل: قصه رهبری را فراموش کنید. موضوع رهبری مربوط به یک تازی است. قدرت ها همه رقابت می کنند تا در صحنه حضور داشته باشند. دیگر نمی توان به تنهایی رهبری کرد. می خواهم به شما بگویم که حقیقت بزرگ این است که ما باید از اسرائیل سبقت بگیریم جهت رسیدن به ایران. ما باید از آمریکا سبقت بگیریم جهت رسیدن به ایران. چون این عنصر بسیار مهم است در معادله استراتژی و انسانی و فرهنگی و امنیتی در این منطقه.

عبدالغنی: یعنی نگاه کسانی که در جهان عرب از اوضاع ایران ابراز خشنودی کردند اشتباه بود...

هیكل: من نمی دانم صاحبان منصبان عرب مانند من فکر می کنند یا نه ولی به هر حال معتقدم هر کس نسبت به اوضاع ایران ابراز خشنودی کند، خود را در اطراف اشتباه قرار داده است.

منبع: ماهنامه "راه" چاپ تهران - آذرماه ۱۳۸۸

می شوند اگر یک نظام مجبور شود جهت محافظت از خود گلوله شلیک کند...

درون خیابان های کشور. هنگامی که نظام به این مرحله برسد که چنین کند هرچند که درجه ضرورت باشد، بنده احساس می کنم که وارد یک بحران شده است. انشاءالله که این چنین نباید چون هیچ نظامی نمی تواند به خود اجازه دهد در خیابان های کشورش، گلوله شلیک کند. ولی من این وضع را درک می کنم. می دانم که اکثریت مردم موافق نظام هستند و آنها در محافظت از امنیت کشور مجبور شده اند که کارهایی انجام دهند که مطابق میل آنها و جزو اهدافشان نبوده است.

در حال حاضر نبردی علیه ایران وجود دارد. من کاری به نظام های حکومتی کشورهای عربی ندارم ولی می خواهم درباره کسانی صحبت کنم که...

عبدالغنی (قطع می کند): از اوضاع کنونی ایران ابراز خشنودی کردند...

هیكل: بله. یک نبرد علیه ایران در حال شکل گیری است. آمریکایی ها و مهمتر از آنها اسرائیلی ها سعی خواهند کرد که به هدفشان برسند. بزرگترین خسارت که اسرائیل دچار آن شده روی کار آمدن نظام انقلاب اسلامی بود. نظام انقلاب اسلامی شاه را، یک هم پیمان قوی را از اسرائیل گرفت. اسرائیل با همه ابزارهایش به وی کمک می کرد. امکاناتی که در اسرائیل وجود داشت برای ایران زمان شاه غیرمحدود بود. اسرائیل می

خواهد جایگاه خود را در ایران بازپس بگیرد. الان یک مسئله خیلی عجیب رخ داده است. ما زمانی علیه شاه، به دلیل طرفداری اش از اسرائیل و آمریکا، مقاومت می کردم و انقلابیون ایران را تشویق و آرزو می کردیم که نزد ما بیایند. اما هنگامی که نزد ما آمدند ما تغییر مسیر دادیم و آنها را رها کردیم که با اسرائیل دشمنی کنند و ما دنبال کار دیگری رفتیم.

عبدالغنی: شما در سخنانتان اشاره کردید که نقش منطقه ایران شاید مقداری به دلیل تنش با اعتراضاتی که رخ می دهد، تحت تأثیر قرار گیرد...

هیكل (قطع می کند): نه، گفتم نفوذ تحت تأثیر قرار می گیرد...

عبدالغنی: در همین بحث نفوذ، آیا روابط مستحکم با سوریه و حزب الله و حماس و جهاد در فلسطین و نفوذ بزرگان در اوضاع عراق کاهش خواهد یافت؟ مخصوصاً این که شاید ایران مقداری به درون خود بازگردد تا این که شکاف پدید آمده در میان نخبگان را ترمیم نماید.

هیكل: نه. هر کس که به درون خود بازگردد عقب نشینی می کند. من اعتقاد دارم که نظام ایران در بعد یاری رساندن به عوامل قدرت و نفوذ خود در خارج قوی تر و قدرتمندتر باقی خواهد ماند. سخنان رهبری را ملاحظه کنید. رهبری می توانست عقب نشینی کند یا موضع ملایم بگیرد ولی ایشان موضع قاطع گرفت چون هنگامی که نظام مورد تهدید قرار بگیرد، محکم می ایستد. این همان چیزی است که در موضع رهبر شاهد آن بودیم. همه انتظار داشتند که عقب نشینی کنند و یا حداقل جانب احتیاط را بگیرد.

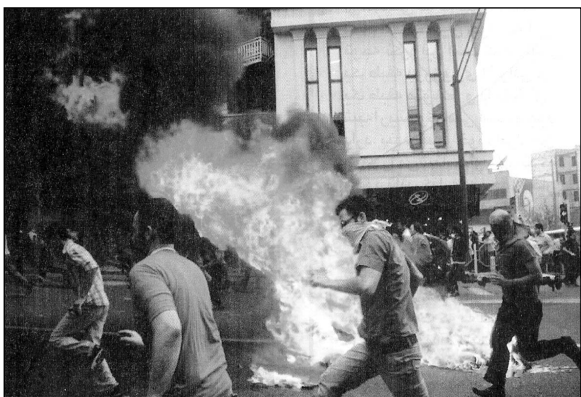
این اعتبار با رقمی کمتر در سال های بعد هم تخصیص یافت) تا در ایران بی ثباتی ایجاد شود. شما در برابر نقشه قرار دارید... می خواهید من چه بگویم؟ بگویم که این توطئه نیست؟ کشوری می خواهد یک نظام را ساقط کند. با همه ابزارها علیه وی می جنگد. بنده در این جا روزی که او با ما انتخاب شد با استاد کریشان صحبت می کردم. گفتم به احتمال زیاد حمله ای صورت نخواهد گرفت ولی تلاش برای تغییر نظام ایران وجود دارد. چون آمریکا می خواهد از شر نظامی که با وی مخالف است رها شود...

بیا بید یک مسئله بسیار عجیب را با هم بررسی کنیم. آن پدیده "تویتر" است. تویتر یک شرکت اینترنتی جدیدی است که مانند گوگل ابزار ارتباطات ایجاد می کند. خیلی عجیب بود. عملیات زیر سؤال بردن نتیجه انتخابات حتی قبل از اینکه نتایج اعلام شود، شروع شد. به بنده بگویید که تابلوهایی که یک دفعه به زبان انگلیسی در تهران پیدا شد علیه چه کسانی بود؟ (می دانم که گروه هایی از مردم ایران ناراضی هستند و می دانم که جوانان زیادی در ایران وجود دارند که مجذوب عصر مدرن و ابزارهایش هستند و هیچ اطلاعی از تاریخ ندارند و با تاریخ اصلاً کاری ندارند. الگوی آمریکایی شاید برای آنها جذاب باشد، ولی آن چه رخ داد این بود که از همه این ابزارها سوء استفاده شد) این بسیار توجه برانگیز است که چند روز قبل از انتخابات در سایت تویتر دهها هزار صفحه بوجود آمد. در روز رأی گیری فعال شدند. در روز انتخابات ۱۸ هزار سایت تویتر فعال شد. تویتر یک ابزار تماس است ولی با ابزارهای دیگر متفاوت است. ابزار تویتر، ایمیل نیست پیامی نیست که از طرف شخصی به شخصی ارسال می شود. این یک پیام باز است و هر کس که بخواهد

آمریکا و انگلیس را فراموش می کنیم که در ایران در انقلاب مصدق چه کردند. بعد وارد بحران گروگان ها شدیم. بعد ماجرای محاصره و بلوکه کردن دارایی های ایران شدیم. ما سال ۲۰۰۶ را فراموش می کنیم که چه رخ داد. فراموش می کنیم که کنگره یک اعتبار مالی به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار به رئیس جمهور آمریکا می دهد تا در ایران بی ثباتی ایجاد شود. شما در برابر یک نقشه قرار دارید... می خواهید من چه بگویم؟ بگویم که این توطئه نیست؟

آن را دریافت می کند. یک پیام کوتاه است. جوانان خیلی وقت است که این شیوه را به کار می برند و محدودیت آن این است که نمی توانید بیش از تقریباً ۱۰۰ کلمه برای کسی پیام بفرستید. مشکل آن این است که نمی توانید کسی را که پیام فرستاده شناسایی کنید. من می گویم اکثرشان از طرف اسرائیل است ولی نمی توانید بدانید از چه کسی است؛ به راهپیمایی بروید "ما الان در یک راهپیمایی هستیم" صد نفر کشته شده اند. شما در برابر یک وضعیت سوء استفاده از فضای اینترنت هستید. از موضع گیری ها سوء استفاده و آتشی شعله ور می شود. من جزو کسانی که هستم که خیلی غمگین

قدرت رهبر هنوز مورد احترام است و همه اطراف وی را داور می دانند. مسئله سوم این که هیچ جایگزینی وجود ندارد.



از مسائلی که به نظرم شاید نظام انقلاب ایران خوب به آن توجه نکرد این است که در ایران یک طبقه بورژوازی اشرافی و یک طبقه متوسط و یا طبقه ای شبه آریستوکراسی است وجود دارد. بنده خیلی خوب افراد این طبقه را می شناسم و می دانم که وجود تأثیرگذاری در جهان خارج در زمینه فرهنگی و سیاسی و اقتصادی دارند.

با این حال تصور می کنم که نظام تحت تهدید نیست. گاهی فراموش می کنیم که این کشور کشوری است که به لحاظ امنیتی در معرض تهدید است. این کشور دو حکومت و دو ارتش دارد. شما حکومت رهبر و حکومت دولت را دارید. شما سپاه انقلاب و ارتش کشور را دارید. شما در مورد نظامی سخن می گوید که بسیار قوی است و این زلزله ها در آن تأثیر ندارد. پس از آن که رهبر بعد از انتخابات سخنرانی کرد صدای راهپیمایی ها در خیابان ها کاهش یافت. آنچه بعد از آن مشاهده کردیم تحرکات بسیار کوچک و محدودی است مخصوصاً در شمال تهران جایی که طبقه متوسط سکونت دارند.

عبدالغنی: حجم تحریک غربی ها در این بحران چقدر است. آیا همان گونه که رهبران نظام گفته اند که راهپیمایی کنندگان در خیابان های تهران از طرف تلویزیون انگلیس و CIA و غیره که آنها را بازیچه خود قرار می دادند تحریک شده اند؟

هیكل: من فکر می کنم که موضوع خیلی بزرگتر از این است. بیا بید فکر کنیم. ما حافظه کوتاهی داریم. تصاویر تلویزیونی ما را می گیرد و همه پیش زمینه ها را فراموش می کنیم. فراموش می کنیم که قبل از جنگ عراق زمانی که بوش به قدرت رسید، محور شرارت اعلام کرد. عراق را در محور آن قرار دادند و سوریه را برداشتند و کره شمالی را در آن گنجانده و ایران را هم وارد آن محور کردند.

از همان اوایل که رژیم شاه سقوط کرد ایالات متحده آمریکا اقدام به دشمنی با این نظام نمود. ما دشمنی راسخ علیه سیاست آمریکا در ایران را که از زمان مصدق وجود داشت فراموش می کنیم. فراموش می کنیم که آمریکا در ایران چه کرد. آمریکا و انگلیس را فراموش می کنیم که در ایران در انقلاب مصدق چه کردند. بعد وارد بحران گروگان ها شدیم. بعد ماجرای محاصره و بلوکه کردن دارایی های ایران شدیم. یک دشمنی روشن و صریح داریم. ما سال ۲۰۰۶ را فراموش می کنیم که چه رخ داد. فراموش می کنیم که کنگره یک اعتبار مالی به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار به رئیس جمهور آمریکا می دهد (و

وحدت، خط استراتژیک جمهوری اسلامی ایران است



تمام انسان ها ادیان و مذاهب را داریم و مجمع در هر کجا که بتواند ندای انقلاب اسلامی را گسترش می دهد.

تسخیری حضور مثبت و کامل مجمع در نقاط درگیری در جهان اسلام مانند عراق و پاکستان را از دیگر فعالیت های مجمع خواند و اظهار داشت: این فعالیت ها باعث همگرایی علمای شیعه و اهل سنت در مناطق درگیری همچون پاراچنار شده است.

وی با اشاره به تلاش مجمع برای حضور در یمن در خصوص حل مشکلات این کشور گفت: در جلساتی که در این خصوص تشکیل شد تصمیم گرفته شد که علمایی از جهان اسلام به یمن رفته و برای حل مشکلات بین حکومت و چند گروه داخلی تلاش کنند تا این موضوع زمینه ساز دخالت نیروهای استکباری جهانی نشده و یک عراق و افغانستانی جدید شکل نگیرد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب در

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب گفت: موضوع وحدت یک خط استراتژیک در جمهوری اسلامی ایران است که همواره از سوی رهبر کبیر انقلاب و مقام معظم رهبری مورد تاکید قرار داشته است.

آیت الله محمدعلی تسخیری دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب برنامه ها و فعالیت های این مجمع را به مناسبت سی و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در یک نشست مطبوعاتی تشریح کرد.

وی با اشاره به فعالیت های مجمع تقریب پس از انقلاب اسلامی، گفت: موضوع وحدت خط استراتژیک جمهوری اسلامی ایران است که همواره در سخنان رهبر کبیر انقلاب و مقام معظم رهبری قبل و پس از انقلاب و نیز در قانون اساسی وجود داشته است.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب با ذکر اینکه دشمن سعی دارد این موضوع را یک تاکتیک و مانور از سوی جمهوری اسلامی بنامد،

پیام آیت الله تسخیری به اجلاس نمایندگان و مدیران جامعه المصطفی العالمیه

اخوت اسلامی

- احیاء و گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و دفاع از حریم قرآن کریم، سنت شریف نبوی و معارف والای اهل بیت (ع)

- ایجاد بسترهای تفاهم و تعاون بین علما و پیشوایان مذهبی جهان اسلام

- اشاعه اندیشه و فرهنگ تقریب میان توده های مسلمان و آگاه ساختن آنان از توطئه های تفرقه برانگیز اسلام ستیزان

- رفع بدبینی ها و شبهات بین پیروان مذاهب

- اشاعه و تحکیم اصل اجتهاد و استنباط در مذاهب اسلامی

- تشکیل جبهه واحد در مقابل توطئه های تبلیغاتی و تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام بر مبنای اصول مسلم اسلامی

آمادگی کامل خود و دانشگاه مذاهب اسلامی وابسته به مجمع تقریب را برای هرگونه همکاری و تبادل تجربیات با جامعه المصطفی (ص) العالمیه اعلام داشته و از خداوند متعال توفیقات بیشتر مسئولین محترم این دانشگاه اسلامی عظیم را در راستای تحقق اهداف و آرمان های بلند خود در خدمت به نظام مقدس اسلامی کشور عزیزمان و تمامی جوامع اسلامی در سراسر جهان مسالت می نماید.

توانمند که قطعاً نقش موثری در اجرا و تحقق برنامه های علمی - آموزشی دانشگاه داشته و خواهند داشت.

ج- جهانی بودن جامعه المصطفی (ص) و ارتباط آن با سایر دانشگاه های مهم جهان اسلام و مجامع بین المللی همچون اتحادیه دانشگاه های اسلامی و تبادل تجربیات لازم که این تعامل به حتم در تقویت بینه علمی دانشگاه حسن اثر خواهد داشت.

د- از همه مهمتر برخورداری جامعه المصطفی (ص) از عنایات و حمایت های ویژه مقام معظم رهبری و توجه خاص معظم له به این دانشگاه است که پشتوانه عظیمی برای پیشبرد اهداف والای آن بوده و خواهد بود.

در پایان، 'مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی' که در اجرا و تحقق منویات وحدت بخش و تقریبی معمار کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) به امر مبارک خلف صالح و شایسته آن بزرگوار، رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۶۹ هجری شمسی تاسیس شده است، با تاکید بر رسالت و اهداف خود که اهم آنها عبارتند از:

- ارتقای سطح دانش و آگاهی و تعمیق تفاهم و همبستگی بین پیروان مذاهب اسلامی

- تقویت احترام متقابل و تحکیم پیوندهای

ضروری می دیدم، و از اینکه به دستور مبارک معظم رهبری با ادغام 'مرکز جهانی علوم اسلامی' و 'سازمان مدارس و حوزه های علمیه خارج از کشور' چنین دانشگاهی با برنامه های آموزشی مبتنی بر مبانی اصیل و ارزشمند اسلام بویژه معارف بسیار غنی و ارزنده مکتب اهل بیت به بار نشست، خدای سبحان را شاکرم و از اینکه شاهد برکات و ثمرات تنها دانشگاهی در عالم اسلام هستم که نام مبارک پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) بر تارک آن می درخشد بر خود فرض می دانم از خدمات ارزشمند و بی دریغ فاضل ارجمند حجت الاسلام والمسلمین دکتر اعرافی و دیگر مدیریت های این دانشگاه تشکر و تقدیر کنم.

دوم اینکه اهمیت این دانشگاه از چند جنبه حائز تامل و توجه است:

الف- ارتباط مستمر جامعه المصطفی (ص) با حوزه های علمیه و مراکز دینی، علمی و دانشگاهی داخل و خارج و برخورداری از تجارب آنها در زمینه های آموزشی حضوری و غیرحضوری با تکیه بر مبانی فکری، فقهی، کلامی، حدیثی، روانی و تفاسیر اهل بیت (ع) که بی تردید موجب خیر عباد و زاد معاد است.

ب- استفاده از هیئت علمی و کادر آموزشی متخصص، متعهد و متبحر و مدیریتهای کاردان و

پیام دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در نخستین اجلاس سراسری نمایندگان و مدیران جامعه المصطفی (ص) العالمیه قرائت شد.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، متن این پیام که از سوی دکتر تیراثیان معاون بین الملل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی قرائت شد، به شرح زیر می باشد.

بسیار شائق و علاقمند بودم که در نخستین اجلاس نمایندگان و مدیران محترم جامعه المصطفی (ص) العالمیه و در جمع مبارک و نورانی علمای بزرگوار، فرهیختگان معزز و دانشجویان مکرم - که سفیران دینی و فرهنگی آینده جهان اسلام خواهند بود - شخصا شرکت کنم، ولی از آنجا که به دلیل شرکت در چند اجلاس اسلامی بین المللی در خارج از کشور از اینجانب سلب توفیق شد، با سپاس فراوان از برگزارکنندگان محترم این نشست دینی - علمی مهم و آرزوی دوام توفیقات مدیران و نمایندگان مومن، مخلص، متعهد و سختکوش 'جامعه المصطفی (ص)' با کمال احترام و تمام تواضع پیایی متضمن چند نکته به محضرتان تقدیم می دارم.

نخست اینکه اینجانب از دیرباز جای چنین دانشگاهی را در منظومه دانشگاه های کشور و جهان اسلام بسیار خالی و تاسیس آن را بسیار

معرفی کتاب

پیشینه تقریب

مطالب مجله رساله الاسلام از شماره اول تا شصت آمده است. بخش دوم کتاب، به تاریخ، نامه ها، عهدنامه ها، خاطره ها، طرح های علمی، فعالیتهای جهانی، هیئت های علمی و بازتاب فعالیتهای و مواضع دارالتقریب در مطبوعات مختلف اختصاص دارد. از طرح های علمی که این مرکز به آن پرداخته و در کتاب درج شده، می توان به طرح بررسی سیره رسول خدا(ص)، احکام حج طبق مذاهب شش گانه، نظریه شیعه امامی در مورد غلات، آمار مسلمانان و شناسایی وضعیت طوایف و گروه های اسلامی اشاره کرد.

نوشته دکتر محمد علی آذرشب "فعالیتها، مواضع و اندیشه ها و دیدگاههای این مرکز را معرفی و بررسی می کند. این کتاب که در دو بخش سامان یافته، توسط انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی منتشر شده است. بخش اول، به بررسی و معرفی مجله رساله الاسلام اختصاص دارد که ابتدا بیانیه های صادر شده از سوی این مجله را آورده، سپس محورهای اصلی مجله، عقیده، قرآن، فقه و ادبیات را معرفی کرده است. در پایان این بخش، دیدگاههای سردبیر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و پس از آن نمایه

مسلمانان جهان به وحدت و همبستگی در آن سوی خاورمیانه بود که در بیش از نیم قرن فعالیت خود توانست با ایجاد تفاهم و همکاری میان شیعه و سنی، به شیوه های مختلف، فاصله بین امت اسلامی را در صحنه تاریخ برطرف و سهم به سزایی را ایفا کند. دیدگاه همبستگی و نزدیک کردن مذاهب به یکدیگر از سوی این مرکز امیدی گشت که افراد مخلص و وفادار را به هم نزدیک نماید و به دست یابی به راهکارهای مهم در زمینه وحدت، تفاهم و بازگشت به صحنه تاریخ، منجر شود. کتاب 'پیشینه تقریب'

مرکز 'دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه' مصر بی تردید در قرن گذشته، نهاد بی بدیلی در دعوت مسلمانان جهان به وحدت و همبستگی در آن سوی خاورمیانه بود که در بیش از نیم قرن فعالیت خود توانست با ایجاد تفاهم و همکاری میان شیعه و سنی، به شیوه های مختلف، فاصله بین امت اسلامی را در صحنه تاریخ برطرف و سهم به سزایی را ایفا کند.

خبرگزاری تقریب - سرویس فرهنگی: مرکز 'دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه' مصر بی تردید در قرن گذشته، نهاد بی بدیلی در دعوت

منشور عملی اتحاد امت اسلام

مجمع اتحاد جهانی دانشجویان اسلام به منظور ارائه راهکارهای عملی برای تئوری‌های تقریب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان در منشوری وحدت را به عنوان اصلی‌ترین درس و توصیه نبی اکرم (ص) و قرآن کریم و همچنین مهمترین راه احیاء عزت و عظمت اسلام و مسلمین توصیف کرد

متن این منشور به شرح زیر است:
وَ اِنَّ هَذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَاَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُوا (المؤمنون ۵۲) همانا این امت شما امت واحدی است و من پروردگار شما، پس پرهیزگار باشید

مقدمه:

وحدت به عنوان اصلی‌ترین درس و توصیه نبی اکرم (ص) و قرآن کریم، مهمترین راه احیاء عزت و عظمت اسلام و مسلمین است. اسلام دین حق و کلمه الله بالاترین حقیقت است و طبق نص محکمه کلمه الله هی العلیا تمام همت و تلاش جوامع اسلامی باید اعتلا و گسترش کلمه الله باشد. این بالاترین حقیقت و واقعیت در نظام فکری اسلام می‌باشد. لذا مسلمانان با این عقیده و نگرش باید بیشترین تلاش خود را بر محقق شدن امت واحد بگذارند.

وَ اِنَّ هَذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَاَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوْا (الانبياء ۹۲) همانا این امت شما امت واحدی است و من پروردگار شما، پس مرا پرستید

بدیهی است تا مسلمانان متحد و یکپارچه نباشند هیچ گاه اسلام و کلمه الله، عزیز، سرافراز و منصور نخواهد شد و اگر از خدا و رسول او اطاعت نکنیم و متحد نشویم هر چه داریم از دست خواهیم داد.

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَبَشَلِكُلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ (الانفال ۴۶) و (فرمان) خدا و پیامبرشان را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست کننده نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از بین نرود!

هدف از تدوین منشور (با این شکل و سیاق) این است که مبنا و راهنمایی ایجاد گردد که مسلمانان (در هر مقام و سطح اجتماعی- سیاسی و علمی، اعم از فردی، دولتی یا سازمانی) بتوانند اعمال، رفتار و تصمیمات خود را با آن سنجیده و تنظیم نمایند (وحدت رویه) و مسلمانان کشورهای اسلامی با عنایت و توجه به این منشور بتوانند رفتارها و تصمیمات خود را هم جهت و همسو نمایند و این امر موجب انسجام و تقویت وحدت مسلمانان و جهان اسلام گردد. انشاءالله مبانی دینی اسلام دین خاتم و قرآن مجید و سنت شریف نبوی (ص) دو منبع اساسی قانون گذاری اسلام بوده و همه مذاهب اسلامی بر حجیت و حقانیت این دو منبع اتفاق نظر دارند. ایمان به توحید، نبوت و خاتمیت رسول اکرم (ص)، قرآن کریم و معاد ملاک و معیار مسلمانی است.

تعریف مسلمان: کسی که به اصول اعتقادی اسلام، توحید، قرآن، نبوت حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (ص) و سنت ایشان و همچنین ایمان به معاد و ارکان ضروری اسلام مانند نماز، روزه، حج، زکات و ... معتقد باشد

مسلمان است.

ابعاد اتحاد: اتحاد ابعاد مختلفی دارد، با تعریف مختصر هر بعد، از ابعاد اتحاد و هم چنین تعریف برخی معیارها و مصداق‌ها به عنوان علائم هدایت کننده: اولاً: اتحاد را کاربردی و ملموس تر بیان نموده و آنرا به مسلمانان ارائه کرد. ثانیاً: مصداق‌ها و معیارهای اشاره شده در هر بعد، نقش علائمی را دارند که می‌توانند هدایت کننده و همسو کننده اعمال، رفتار و تصمیمات باشند. لازم به ذکر است که این معیارها و مصداق‌ها قلیلی از کثیر می‌باشند و ذکر برخی از آنها صرفاً برای تشریح بهتر مقصود و منظور است.

۱- اتحاد اعتقادی- دینی تعریف: منظور از وحدت، شیعه شدن سنی و سنی شدن شیعه نیست، بلکه منظور این است که فرقه‌های اصیل و شناخته شده اسلامی به اعتقادات و مقدسات یکدیگر احترام بگذارند. با احترام و عطوفت به یکدیگر نگاه کرده و به مقدسات و اعتقادات همدیگر اهانت نکنند و اجازه چنین کاری به خود و دیگران ندهند.

معیارهای راهنما

۱- اختلافات علمی (علم الخلاف): مباحث علمی و اختلافات علمی را به نخبگان و علما سپرده و جامعه اسلامی و مسلمانان با مشترکات خویش با یکدیگر ارتباط داشته و در کنار هم زندگی می‌کنند. وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ (التوبة ۱۲۲) و شایسته نیست مومنان همگی (برای جهاد) کوچ کنند، پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند

۲- وحدت و التزام عملی به آن: وحدت مهمترین و ضروری ترین مسئله برای عزت و عظمت مسلمین بوده و ایجاد تفرقه امری مذموم و از ایادی شیطان است. وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (آل عمران ۱۰۳) و همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید

۳- تکفیر: تکفیرکنندگان مذاهب اسلامی جاهل و تفرقه‌اندازند و مسلمانان آنان را به آرامش و وحدت دعوت می‌نمایند و در غیر این صورت و عدم اصلاح رفتار خود آنها را طرد می‌کنند.

۴- افراطی‌گری: افراطیون در هر مذهبی و در هر لباسی موجب اختلاف، تفرقه و شکاف بین جامعه اسلامی می‌شوند. آنان سخت در اشتباهند و مسلمان از آنان تبری می‌جویند.

۵- نفس واحده: مسلمانان خود را نفس واحده می‌دانند و در کمال احترام، عطوفت و تواضع با همدیگر زندگی می‌کنند. يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ (النساء ۱) ای مردم! از (مخالفات) پروردگارتان پرهیزید! کسی که همه شما را از یک نفس آفرید.

۶- پرهیز از دشنام و بی‌احترامی: مسلمانان از هر فرقه و مذهب اسلامی اعتقادات یکدیگر را مورد لعن و سب قرار نمی‌دهند تا تخم تفرقه و کینه‌توزی در بین برادران دینی ایجاد نگردد. وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ

(الأنعام ۱۰۸) و آنانی را که جز خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، آنان نیز خدا را دشنام خواهند داد.

۲- اتحاد اجتماعی تعریف: مسلمانان در ارتباط اجتماعی و معاشرت‌های روزمره بر اساس تعالیم اسلام و سیره نبی اکرم (ص) با همدیگر مهربانانه، مسالمت‌آمیز و بدور از نزاع زندگی می‌کنند.

معیارهای راهنما

۱- به جا آوردن مناسک و عبادات مشترک و دسته جمعی (مثل حج ابراهیمی)

۲- تحمیل نکردن مذهب خاص به یکدیگر
۳- سعه صدر و تحمل آراء مخالف و عمل به آیه شریفه: فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ (الزمر ۱۸- ۱۷) پس بندگان مرا بشارت ده! همانند آنهایی کسانی که سخنانشان را می‌شنوند؛ و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند.

۴- احترام متقابل همه مذاهب به یکدیگر و عمل به اخلاق رسول الله ﷺ وَأَتَكَ لَعَلِّي خُلِقَ عَظِيم (القلم ۴) و تو اخلاق عظیم داری مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ (الفتح ۲۹) محمد (ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرکش و شدید، و در برابر برادران خود مهربانند

۵- مسلمانان با هم برادرند و نسبت به هم احساس مسئولیت داشته و به مشکلات یکدیگر اهمیت داده و رسیدگی می‌نمایند و نسبت به اصلاح امور در بین همدیگر اهتمام دارند. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (الحجرات ۱۰) مؤمنان برادر یکدیگرند، پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشوایانی کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید!

۳- اتحاد سیاسی- تعریف: امت اسلام، کشورهای اسلامی و دولت مردان در مسائل سیاسی جهان اسلام موضع گیری و اقدامات واحد و مشترک اتخاذ می‌کنند.

معیارهای راهنما

۱- موضع گیری و اقدام مؤثر و مشترک در خصوص اهانت‌ها به نبی اکرم (ص) و قرآن کریم و مقدسات مسلمانان.

۲- موضع گیری و اقدام مؤثر و مشترک در خصوص مسئله فلسطین و اشغال کشورهای عراق و افغانستان و جولان، جنگ غزه و لبنان
۳- موضع گیری متحدانه و اهمیت به دفاع از حقوق دینی، فردی و اجتماعی مسلمانان مانند شهیده حجاب (مروه الشربینی)

۴- امت مسلمان و کشورهای اسلامی براساس تعالیم دینی و قرآنی مقاومت و مبارزه در برابر استکبار و امپریالیسم جهانی، هژمونی سیاسی غالب (از جمله حاکمیت آمریکا و اسرائیل) را واجب دینی می‌کنند و در این راه پشتیبان یکدیگر هستند.

۴- اتحاد اقتصادی- تعریف: امت اسلام، کشورها و دولت‌های اسلامی ارتباط و مناسبات اقتصادی‌شان را به گونه‌ای تنظیم کنند که موجب تقویت اقتصاد همدیگر باشند.

معیارهای راهنما

۱- معاملات و ارتباطات اقتصادی مسلمانان نباید موجب تقویت و عزت دشمنان اسلام و خواری و ضعف مسلمانان گردد. وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (النساء ۱۴۱) و هرگز خدا برای کافران نسبت به مومنان راه تسلطی قرار نداده است

۲- امت اسلام با الگوبرداری از تحریم شعب ابی طالب در مقابل فشارها و تحریم‌های اقتصادی مانند پیامبر و اصحابش استقامت می‌کنند. اِنَّ الَّذِيْنَ قَالُوْا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوْا (فصلت ۳۰) به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است! سپس استقامتی کردند.

۳- در معاملات کلان اقتصادی بین دولت‌ها اولویت با کشورهای اسلامی باشد.

۴- نسبت به، تقویت و گسترش سیستم بانکداری اسلامی و بازار مشترک اسلامی بیش از پیش اهتمام داشته باشند در این جهت برنامه جامع و مؤثر، تهیه و اجرا نمایند.

۵- اتحاد نظامی - امنیتی تعریف: کشورها و دولت‌های اسلامی در زمینه نظامی و امنیتی پشتیبان و یاور همدیگر باشند و ارتباطات نظامی و امنیتی آنها به گونه‌ای است که موجب دفع خطر و تجاوز از کشورهای اسلامی و تأمین کننده امنیت یکدیگر می‌باشند.

معیارهای راهنما

۱- مرزهای کشورهای اسلامی، مرزهای جهان اسلام است و تجاوز به آن تجاوز به همه کشورهای اسلام و امت اسلام می‌باشد. بی تفاوتی و کمک به این تجاوزات خیانت به اسلام و مسلمین است.

۲- گسترش پیمانهای نظامی - امنیتی بین کشورهای اسلامی و برنامه ریزی برای ایجاد پیمان نظامی و امنیتی متحد و یکپارچه. وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ (الانفال ۶۰) و هر چه در توان دارید از نیرو در مقابل آنها بسیج کنید.

۶- اتحاد علمی - تکنولوژیک- صنعتی تعریف: مسلمانان و کشورهای اسلامی موجب تقویت و توسعه علمی، تکنولوژیک و صنعتی یکدیگر می‌شوند و پیشرفت‌های خود را در این زمینه به اشتراک گذاشته و نیازهای یکدیگر را بر طرف نمایند.

معیارهای راهنما

۱- انعقاد و گسترش پیمانهای و قراردادهای علمی - تکنولوژیک - صنعتی

۲- ایجاد گسترش و تقویت مراکز مشترک علمی- تکنولوژیک- صنعتی

۳- راه اندازی ISI اسلامی و ایجاد ثبت بین المللی اختراعات مسلمانان

۷- اتحاد رسانه‌ای تعریف: رسانه‌های کشورهای اسلامی در انعکاس اخبار و ارائه برنامه‌های خود براساس منافع مشترک و انسجام جهان اسلام و مسلمانان رفتار می‌نمایند.

معیارهای راهنما

۱- پرهیز از پرداختن به اخبار و برنامه‌های اختلاف انگیز و تفرقه ساز

۲- همکاری و تعاون در ایجاد رسانه‌های مشترک اسلامی

۳- تقویت و جهت بخشیدن به رسانه‌های فعلی و فعال در جهان اسلام

عبرت از تاریخ

دیدگاه های امام خمینی درباره ضرورت عبرت گیری "روحانیت و مردم" از وقایع تاریخ معاصر و پرهیز از اختلاف و تفرقه

بکنند یک دسته از همان مستبدین مشروطه خواه شدند و افتادند توی مردم . همان مستبدین بعدها آمدند و مشروطه را قبضه کردند و رساندند به آنجایی که دیدید و دیدیم .

زمان "میرزای شیرازی" هم می خواستند یک همچو کاری بکنند. مرحوم میرزا که دخانیات را تحریم فرمود شیاطین افتادند و در بین مردم و به آنجا رساندند که بعضی از اهل علم بعضی از شهرها بالای منبر - به طوری که نقل می کنند - قلیان کشید بر ضد حکم مرحوم میرزا لکن میرزا چون قدرتش قدرت فوق العاده بود و از این طرف هم طرفداران او مثل میرزای آشتیانی قوی بود و قدرتمند نتوانستند آنجا کاری بکنند. در مشروطه اینطور نبود در مشروطه هر دو طرف قوی بودند. نجف بعضی علمای درجه اول مخالف بودند بعضی علمای درجه اول موافق بودند. در ایران هم بین علما همین جور اختلاف را ایجاد کردند و این اینطور نبود که خود به خود ایجاد شد ایجاد کردند در بین آنها. ما باید از این تاریخ عبرت بگیریم که مبدا یک وقتی در بین شما آقایان روحانیون بیفتند اشخاصی . یا در بین مردم وسوسه کنند و خدای نخواستہ آن امری که در مشروطه اتفاق افتاد در ایران اتفاق بیفتد.

چند وقت دیگر هم انتخابات شروع می شود. از قراری که من شنیدم به طور حاد دارند اشخاص عمل می کنند. اشخاصی هستند که به جمهوری اسلامی هیچ اعتقاد ندارند لکن برای خاطر شکستن جمهوری اسلامی در تبلیغات انتخاباتی می خواهند شرکت کنند نه از باب اینکه می خواهند وکیل بشوند از باب اینکه می خواهند شکست بدهند جمهوری اسلامی را. اشخاصی هستند که به وسوسه اشخاص مومن را وادار می کنند که به طور حاد دخالت بکنند در این امور. ممکن است که اگر اشخاص هوشمند تنبه ندهند و بیدار نشوند این انتخابات موجب این بشود که دو دستگی های زیادی ایجاد بشود و این همان مسئله مشروطه است . باید مردم توجه کنند و خصوصا روحانیون روحانیون مبارز تهران مدرسین محترم قم روحانیون مشهد اصفهان همه جا توجه کنند که مسئله مسئله مشروطه نشود. مسئله این نشود که یک دسته برای خاطر اینکه یک کاندیدایی دارند دیگران را بکوبند آن دسته هم برای همین کاندیدای خودشان این را بکوبند.

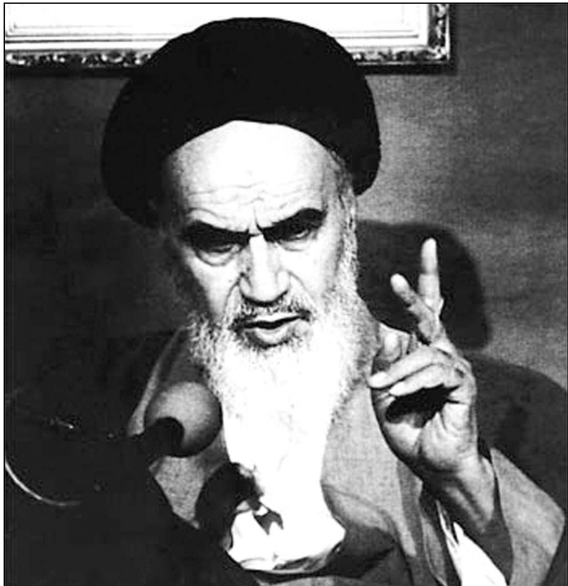
اگر همه برای خدا هست با هم تفاهم کنید. البته تبلیغ هیچ مانعی ندارد لکن مثل مشروطه نشود. آن طور نشود که هر کدام دیگری را بکوبند و آتی که دشمن ما می خواهد خطوط مختلفه را در انتخابات عملی کند. شما همه می خواهید که اسلام در این مملکت تحقق پیدا کند همه می خواهید که این جمهوری اسلامی ادامه پیدا بکند ادامه این به این است که شما در مواردی که می بینید که دارند شیاطین نقشه می کشند و توطئه می کنند تا شما را به جان هم بیندازند بنشینید با هم و تفاهم کنید و آنها را مایوس کنید. امروز دارند تهیه می بینند مخالفین شما مخالفین جمهوری اسلامی که برای انتخابات ایجاد نفاق کنند و این یک خطری است برای کشور ما.

اینها با زور نمی توانند کاری انجام بدهند نه امریکانه شوروی با فشار و زور به یک کشوری که همه با هم هستند نمی توانند آسیب برسانند لکن با توطئه و وادار کردن عمال خودشان در داخل می توانند ایجاد نفاق کنند و بهانه هم انتخابات .

هستند و آنها خودشان می دانند که راهی جز همان راهی که همه دارند ندارند لکن ساده دل ها ممکن است که گاهی باور کنند. راه فلان حوزه چی هست . راه فلان حوزه چی هست راه فلان آقا چی هست راه فلان آقا چی هست راه روحانیون فلان قسم شان چی است راه فلان قسم شان چی است. خطوط مختلفی آنها عرضه می کنند و به مردم می خواهند بیاوراند که یک همچو مسائلی هست در ایران و اینها هر کدام یک خط خاصی دارند در صورتی که مسئله اینطور نیست . هیچ خطی جز خط اسلام در ایران نیست و همه باهم در یک خط هستند. آقایانی که در ماه محرم و صفر منبر می روند وظایف زیادی در این ابوابی که ما الان در آن هستیم دارند. یکی همین محکوم کردن این کسانی که یک همچو حرف هایی را می زند که کی خط چه دارد و کی خط چی . باید به مردم گفت که اینها دشمنان شما نیستند که می خواهند به شما مطالبی عرضه کنند که شما را از بعضی مقامات یا از همه دلسرد کنند.

امروز همه مقامات با هم هستند. همه روسای که در کار هستند همه اینها با هم هستند و همه برای اسلام دلسوزی می کنند و برای اسلام حرکت می کنند خطوط مختلفی ما نداریم در ایران . اینها افترا بی است که دشمن های ما و ایادی آنها درست می کنند. بعد از اینکه مایوس شدند از قیام مسلحانه و مایوس شدند از حمله و از راه های مختلفی که تاکنون اعمال کردند حالا این هم یک راهی است که پیش گرفته اند که "حوزه علمیه قم" چه می گوید و حوزه "روحانیت مبارز تهران" چی می گوید و روسا فلان رئیس با چند نفر یک راهی دارند فلان رئیس یا چند نفر راه دیگری دارند روحانین هر جا یک مطلبی دارند. در صورتی که مسائل این نیست ...

تاریخ یک درس عبرت است برای ما. شما وقتی که تاریخ مشروطیت را بخوانید می بینید که در مشروطه بعد از اینکه ابتدا پیش رفت دست هایی آمد و تمام مردم ایران را به دو طبقه تقسیم بندی کرد. نه ایران تنها از روحانیون بزرگ نجف یک دسته طرفدار مشروطیت یک دسته دشمن مشروطه علمای خود ایران یک دسته طرفدار مشروطه یک دسته مخالف مشروطه . اهل منبر یک دسته بر ضد مشروطه صحبت می کردند یک دسته بر ضد استبداد. در هر خانه ای دو تا برادر اگر بودند مثلا در بسیاری از جاها این مشروطه ای بود آن مستبد. و این یک نقشه ای بود که نقشه هم تاثیر کرد و نگذاشت که مشروطه به آن طوری که علما بزرگ طرحش را ریخته بودند عملی بشود. به آنجا رساندند که آنهایی که مشروطه خواه بودند به دست یک عده کوبیده شدند. تا آنجا که مثل مرحوم "حاج شیخ فضل الله نوری" در ایران برای خاطر اینکه می گفت باید "مشروطه مشروعه" باشد و آن مشروطه ای که از غرب و شرق به ما برسد قبول نداریم در همین تهران به دار زدند و مردم هم پای او رقصیدند یا کف زدند. در مشروطه در عین حالی که ابتدائش نبود این مسائل لکن آنهایی که می دیدند که از مشروطه ضربه می بینند منافعشان از بین می رود - نمی گذارد - قانون اساسی که موافق با اسلام باید باشد و اگر مخالف شد قانونیت ندارد نمی گذارد که اینها هرکاری می خواهند بکنند



ایران محکوم کردند و بعد او را آوردند در وسط میدان و به دار کشیدند و پای آن هم ایستادند کف زدند و شکست دادند اسلام را در آن وقت . و مردم غفلت داشتند از این عمل حتی علما هم غفلت داشتند. این که آنجا بود.

ما در زمان خودمان هم آقای کاشانی را دیدیم . آقای کاشانی از جوانی در نجف بودند و یک روحانی مبارز بودند. مبارزه با استعمار آن وقت البته انگلستان بود مبارزه با او. در ایران هم که آمدند تمام زندگی شان صرف همین معنا شد و من از نزدیک ایشان را می شناختم . در یک وقت وضع ایشان طوری شد که وقتی که از منزل می خواست حرکت کند فرض کنید بیایند به مسجدشاه مسجدشاه مطلع می شد درنظر داشتند اعلام می شد این طور بود وضع ایشان . بعدش دیدند که اگر یک روحانی در میدان باشد لابد اسلام را در کار می آورد این حتمی است و همین طور هم بود. از این جهت شروع کردند به جوسازی . آن طور جوسازی کردند که یک سگی را عینک به آن زدند - و آن طور که من شنیدم - عینک زدند و از طرف مجلس آوردند این طرف و به اسم آیت الله . و من خودم در یک مجلسی بودم که مرحوم آقای کاشانی وارد شد در آن مجلس مجلس روضه بود هیچ کس پا نشد. من پا شدم و یکی از علمای تهران که الان هم هستند و من جا دادم به ایشان - جا هم ندادند - این جو را درست کرده بودند برای آقای کاشانی که دیگر از منزلش نمی توانست بیرون بیاید در یک اتاقی محبوس بود در منزلش طوری که نمی توانست بیرون بیاید.... آنجا هم شکست دادند مسلمین را شکست دادند.

از شیاطین غافل نباشید. این شیاطین به هر چیزی که می توانند متشبث می شوند و به هر راهی می خواهند در دل این ملت رخنه کنند. قضیه حمله نظامی آن قدرها مهم نیست . جوابش را بحمدالله سلحشوران اسلام می دهند و داده اند. رسانه های گروهی هم دیگر حرف هایشان تاثیری ندارد در دنیا برای اینکه معلوم شده است که اینها چکاره اند و مسائل شان یک مسائلی است که باور نمی کنند نمی توانند بازی بدهند ملت های ما را. آنچه که امروز آنها دست به آن زده اند قضیه ایجاد - به خیال خودشان - تفرقه است مثلا می گویند راه فلان مقام خط فلان مقام چی است و خط فلان مقام هم مقابل اوست . دو مقامی که هر دو و سایر مقامات همه با هم هستند و در همه چیزها با هم دوست و برادر

اشاره

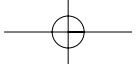
یکی از موضوعاتی که در کتاب شریف "صحیفه امام" به طور مکرر و در مناسبت ها و دیدارهای گوناگون حضرت امام خمینی با علما و روحانیون و اقشار مختلف مردم و مسئولان و مدیران نظام اسلامی ثبت و درج گردیده است ضرورت درس آموزی و عبرت اندوزی از وقایع تاریخ معاصر است. نهضت مشروطه و نهضت ملی و حضور محوری فقها و علمای دین در بنیان نهادن و رهبری این جنبش ها بارها توسط امام خمینی مطرح گردید و به صورت هشدار و بیدارباش فقها و علمای اسلام و همه زمامداران و مسئولان و تمام قشرهای مردم جامعه را مخاطب قرار داد.

تعبیری چون "تاریخ یک درس عبرت است" و "ما باید از تاریخ عبرت بگیریم" در کلام و بیان امام با ذکر وقایع و رخدادهای

تلخی همراه می گردد که در نهضت مشروطه و نهضت ملی به وقوع پیوست و باعث شد در یک جنگ روانی تمام عیار شخصیت های نستوه و وارسته ای چون آیت الله شهید شیخ فضل الله نوری و آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی در جامعه و در میان مردم هتک حرمت شوند و با دست های مرموز دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه در مظلومیت و غربت قرار گیرند و همه چیز به نفع "مشروطه خواهان مستبد!" و "ملی گرایان ملت ستیز" خاتمه یابد و قلدران و آزادی کشان به نام آزادی و مردم گرایی موجودیت اسلام و روحانیت و ملت را به طور عملی از تحرک و تاثیر بیندازند و آن کنند که کردند!

آنچه در این میان در پیشرفت اهداف دشمن تاثیر فراوان داشت اختلاف و غفلت گروهی از علمای دین و فریب خوردگی توده های مردم از حربه های دشمنان خارجی و ایادی داخلی آنان بود. آنچه پیش روی دارید گزیده ای است از سخنان امام درباره این وقایع تلخ که مرور و تفکر در آن برای امروز ما درس و عبرت است . به امید آنکه مورد توجه و دقت راه روان واقعی خط امام راحل قرار گیرد.

من امروز مغتنم است که در حضور آقایان یک مطلبی را عرض کنم و این مطلب مال همه است . نه مال شما آقایان مال همه . هم مسئولین کشور است و هم مردم . ما تجربه هایی که برایمان نقل شده است یا از تجربه هایی که خودمان در جریانش بودیم باید یک ملتی را در نظر داشته باشیم . در دوران مشروطه را که همه آقایان شنیده اند یک عده ای که نمی خواستند که در این کشور اسلام قوه داشته باشد و آنها دنبال این بودند که اینجا را آن وقت به طرف اروپا بکشند. آنها جوسازی کردند به طوری که مثل مرحوم آقا شیخ فضل الله که آن وقت یک آدم شاخصی در ایران بود و مورد قبول بود همچو جوسازی کردند که در میدان علنی ایشان را به دار زدند و پای آن هم کف زدند. و این یک نقشه ای بود برای اینکه اسلام را منعزل کنند و کردند. و از آن به بعد دیگر نتوانست مشروطه یک مشروطه ای باشد که علمای نجف می خواستند. حتی قضیه مرحوم آقا شیخ فضل الله را در نجف هم یک جور بدی منعکس کردند که آنجا هم صدایی از آن درنیامد. این جوی که ساختند در ایران و در سایر جاها این جو اسباب این شد که آقا شیخ فضل الله را با دست بعضی از روحانیون خود



تاریخ یک درس عبرت است برای ما. شما وقتی که تاریخ مشروطیت را بخوانید می بینید که در مشروطه بعد از اینکه از ابتدا پیش رفت دست هایی آمد و تمام مردم ایران را به دو طبقه تقسیم بندی کرد نه ایران تنها از روحانیون بزرگ نجف یک دسته طرفدار مشروطیت یک دسته دشمن مشروطه علمای خود ایران یک دسته طرفدار مشروطه یک دسته مخالف مشروطه ... و این یک نقشه ای بود که نقشه هم تاثیر کرد و نگذاشت که مشروطه به آن طوری که علمای بزرگ طرحش را ریخته بودند عملی بشود

ما باید از این تاریخ عبرت بگیریم که مبادا یک وقتی در بین شما آقایان روحانیون یفتند اشخاصی یا در بین مردم وسوسه کنند و خدای نخواستہ آن امری که در مشروطه اتفاق افتاد در ایران اتفاق بیفتد

شخصیت و آن برای طرفداری از فلان شخصیت ... (منبع صحیفه امام ج ۱۸)
مرحوم آقا شیخ فضل الله که آن وقت یک آدم شاخصی در ایران بود و مورد قبول بود همچو جوسازی کردند که در میدان علنی ایشان را به دار زدند و پای آن هم کف زدند. و این یک نقشه ای بود برای اینکه "اسلام" را منعزل کنند و کردند! ما در زمان خودمان هم آقای کاشانی را دیدیم . آقای کاشانی از جوانی در نجف بودند و یک روحانی مبارز بودند مبارزه با استعمار... شروع کردند به جوسازی ... این جو را درست کرده بودند برای آقای کاشانی که دیگر از منزلش نمی توانست بیرون بیاید در یک اتاقی محبوس بود در منزلش طوری که نمی توانست بیرون بیاید... آنجا هم شکست دادند مسلمین را شکست دادند

هستند اینهایی که متکفل امور هستند چه مجلس و چه دولت و چه قوه قضائیه و همه اینها یک راه دارند می روند البته نادر تویشان هست که شیطان است لکن به حسب نوع امور اینها دارند راه می روند خطوط مختلفه در کار نیست .

این توطئه را که می خواهند با اسم خطوط مختلفه یک دسته را طرفدار یک جبهه بکنند و یک دسته را طرفدار یک جبهه بکنند و در صورتی که خود آنها با هم اختلاف ندارند مریدها به اختلاف بیفتند و کم کم در همه جا همان حرف هایی که در مشروطه بود که در یک شهر یک دسته اهل منبر مشروطه بودند یک دسته اهل منبر مستبد بودند و در خانه ها همین مسائل بود و در بازار همین مسائل بود یک وقت اینطور نشود که مردم را به جان هم بیندازند این برای طرفداری از فلان

مردم در انتخابات موظفند موظف شرعی هستند که اختلافات کوبنده را از آن دست بردارند و این یک امری است که بین همه هست یعنی یک تکلیفی متوجه به همه هست به من طلبه که اینجا نشسته ام و به شما علما و همه علمای بلاد و همه قشرهای ملت همه روشنفکران همه نویسندگان گویندگان به همه تکلیف شرعی است که نگذارید مسئله مثل مسئله مشروطیت بشود. عبرت بگیرید از آنجا اگر مثل او بشود آن هایی که مخالف با اسلام و جمهوری اسلامی هستند و بازیگر هستند آنها می آیند قبضه می کنند. یکی از اموری که خیلی لازم است همین مسئله است که باید تذکر بدهند آقایان تبه بدهند آقایان .

و آن مطلب اول هم که عرض کردم تذکر بدهند به مردم به اینکه امروز ایران اینهایی که در کار



مدیران مسوول برخی روزنامه های کشوری و محلی، سردبیران خبرگزاری ها در یزد و خبرنگاران استان با حضور در بیت سومین شهید محراب و دیدار با نماینده ولی فقیه و امام جمعه یزد، توهین به بیت آیت الله صدوقی را محکوم کردند. به گزارش ایسنا حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی صدوقی فرزند شهید صدوقی و نماینده ولی فقیه و امام جمعه یزد در این دیدار به بیان اهمیت جایگاه مطبوعات و اثرگذاری آنها در جامعه پرداخت و گفت؛ رعایت خطوط قرمزی چون اصل نظام، امام راحل، مقام ولایت و قانون اساسی منافاتی با اصل آزادی ندارد، اما متأسفانه خط قرمزهای جامعه خیلی زیاد شده است. وی افزود؛ اگر رسانه ها چه مکتوب و چه صوتی و تصویری، چون رسانه ملی همیشه در اختیار گروه خاصی قرار بگیرد جامعه ناخواسته برای کسب اطلاعات به سراغ رسانه های بیگانه می رود که در عین اطلاع رسانی، مسائل دیگری را که برای جامعه مفید نیست، لابه لای برنامه هایشان تزریق می کنند. صدوقی ادامه داد؛ امروز دیگر نمی توان در این دنیای پیشرفته اطلاعات، جلوی اینترنت، ماهواره و سایر وسایل ارتباط جمعی را گرفت. پس باید انگیزه ایجاد کرد تا مردم به رسانه های داخلی گرایش یابند، رسانه ها نیز امکان حضور داشته باشند و بتوانند در مجامع مختلف حضور یابند و افکار و اطلاعات را به جامعه منعکس کنند تا جامعه شناخت داشته باشد که متأسفانه این رویکرد در جامعه کنونی مقبولیتی ندارد. وی در دومین بخش سخنانش به اهانت های صورت گرفته اخیر در استان اشاره کرد و گفت؛ اولین اتفاقی که با آن مواجه شدیم روز نهم دی ماه در جمع عاشوراییان در یزد در اعتراض به هتک حرمت مقدسات عاشورا، امام راحل و رهبر معظم انقلاب بود که عده بی که حق داشتند مطالب خود را بیان کنند، در حاشیه این مراسم شعارهایی علیه اینجانب دادند که از جمله آنها "موسوی جنایت می کند- صدوقی حمایت می کند" بود. وی ادامه داد؛ البته من نسبت به اصل مدیریت این مراسم صحبت هایی دارم که در جمع

نماز جمعه نیز بیان داشتم و باز نیز خواهانم که نسبت به این ناهنجاری ها همان خواسته مقام معظم رهبری با رعایت ضوابط رسیدگی شود. سرعت عمل نیز با رعایت قانون و کسب اطلاعات مفید خواهد بود. وظیفه شما اصحاب رسانه نیز هست که جلوی این تندروی ها را بگیرید و فرهنگ سازی کنید. نماینده ولی فقیه در یزد ادامه داد؛ هر صدمه بی که هم اکنون می خوریم از تندروی ها در هر دو جناح است و افرادی هرچند محدود که حریم ها را می شکنند و خواسته های خلاف ضوابط و قوانین دارند، این افراد نمی توانند کاری بکنند. باید سیاست کلی رهبر معظم انقلاب را که دفع حداقلی و جذب حداکثری است مدنظر داشته باشیم و از حرکات خودسرانه پرهیز شود.

نامه وارده

سر دبیر محترم نشریه وزین بعثت
با عرض سلام
در شماره ۱۳۷۳ (دی ماه ۱۳۸۸) آن نشریه وزین مطلبی در مورد فلسفه اسلامی با عنوان از تکفیر تا پذیرش "به نقل از روزنامه تهران امروز" منتشر شده بود که نویسنده محترم در آن مطلبی نیز از مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی حاج سید عزالدین حسینی زنجانی (دامت برکاته) نقل کرده بود. لازم به توضیح است که خاطره نقل شده از معظم له درباره مرحوم علامه طباطبایی است که متأسفانه نویسنده محترم آن را به حضرت امام راحل (قدس سره) مربوطه دانسته است.

حضرت آیت الله العظمی حسینی زنجانی یک دوره اسفار را از محضر حضرت امام خمینی استفاده کرده اند و پس از ورود مرحوم علامه طباطبایی به قم به ارشاد و راهنمایی والد معظم خود از محضر علامه طباطبایی تقاضای درس می کنند و اسفار خودشان را به مرحوم علامه امانت می دهند و بدین طریق دوره اول تدریس مرحوم علامه در قم آغاز می شود. پس از شروع درس فلسفه مرحوم، حضرت امام خمینی (ره) درس فلسفه خود را تعطیل می کنند و به تدریس فقه و اصول می پردازند.

با توجه به توضیحات فوق خواهشمند است این نامه را در شماره بعدی آن نشریه منتشر فرمایید تا مخاطبان محترم نشریه از سهو نویسنده آن مطلب آگاه گردند.

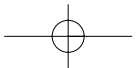
حسن اسدی

مسئول دفتر معظم له در تبریز

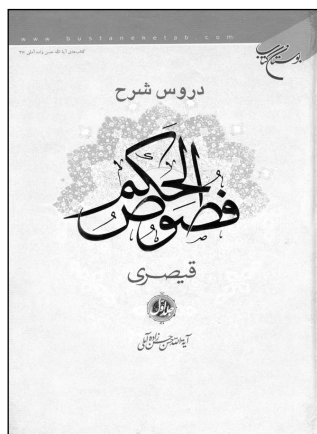
خط قرمزهای جامعه

ببیند که این بدترین چیز است چرا که وحدت مورد تاکید امام راحل و مقام عظمای ولایت است و باید حفظ شود و من در اینجا اعلام می دارم از هر دو جریان شناخته شده و علوی و جریان ناشناخته رضایت قلبی دارم چرا که اکثریت قریب به اتفاق این جریان را جریان دیندار و متدین تشکیل می دهد که متأسفانه فاقد تفکر و بینش دینی و بینش سیاسی هستند و کسی که این تفکر و بینش را نداشته باشد، تیر شیطان قرار می گیرد. امام جمعه یزد افزود؛ بنده از جنبه شخصی ام از این افراد می گذرم اما از اینکه آیا مسوولان نسبت به جنبه عمومی آن حساسیت یا پیگیری دارند یا نه، هیچ اطلاعی ندارم و از روز چهارشنبه نهم دی ماه تا به امروز نه یک مسوول اطلاعاتی و امنیتی و نه یک مسوول و رئیس شورای تامین استان نه گزارشی در این جریانات به من داده اند و نه از من کسب اطلاعی کرده اند؛ این است که نمی دانم برنامه آقایان چیست. وی ادامه داد؛ مسوولان هر تصمیمی بگیرند برای من محترم است، اما باید این را متذکر شوم که پیگیری و شناسایی گردانندگان اصلی آن عده در جمع عاشوراییان یزد کار مشکلی نیست؛ البته سوزاندن در بیت را نه می دانم با چه هدفی بوده و نه می دانم وابسته به چه جناحی بوده است. اصلاً نمی دانم، انگشت اشاره هم به سوی کسی دراز نکرده و نخواهم کرد. نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه یزد گفت؛ از دو حال خارج نیست؛ یا باید به عنوان جرم عمومی به این امر رسیدگی کرد یا اینکه پرونده باید بسته شود که به نظر من این گونه شود بهتر است، اما اگر قرار باشد بسته شود، دیگر اینکه بگوییم این جریان یا آن جریان بوده کار درستی نیست. بی جهت نباید گروه ها و افراد را مورد اتهام قرار داد. وی افزود؛ اما اگر بنا به بررسی و پیگیری هم باشد نباید از قبل پیشداوری داشته و گروه های خاصی را محکوم کرد و مورد اتهام قرار داد که این رسیدگی را مشکل می کند به خصوص اینکه اظهارنظر از ناحیه مسوولان آن هم در جلسات رسمی و کشوری باشد که از زبان رسانه ملی نیز عنوان شود. حال هر جریانی را متهم کند تفاوتی ندارد؛ از لحاظ حقوقی و اخلاقی کار درستی نیست. صدوقی تصمیم گیری در این باره را برعهده مسوولان دانست و گفت؛ در هر صورت قبل از اینکه دادگاهی آزادانه و علنی تشکیل و مجرم شناخته شود، هرگونه حکمی نه جنبه عقلی و نه جنبه شرعی و اخلاقی ندارد؛ که امیدواریم این اصل رعایت شود. وی افزود؛ اگر حادثه بی زشت و بسیار بد در این چند روز اتفاق افتاده واکنشی نشان نداده ام و زشتی این کارها را در خطبه های

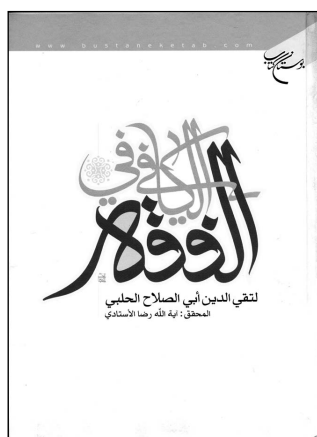
خصوصی با مسوولان مربوطه بیان خواهم کرد که به نظر می آید در جریان باشند؛ اما باید توجه داشته باشند که سکوت من به جهت مصلحت است. صدوقی اظهار کرد؛ من به اهداف و انگیزه این حرکات کاری ندارم اما مگر من در این انتخابات چه دفاعی از "موسوی"، "گروبی"، "رضایی" و "احمدی نژاد" داشته ام. من در طول دوران نمایندگی مقام معظم رهبری تنها در دو انتخابات به صورت رسمی از کاندیدای خاصی حمایت کردم؛ یکی دوره دوم ریاست جمهوری آیت الله هاشمی رفسنجانی و یکی دوره اول ریاست جمهوری حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی و در عین حال به تمام نامزدها کمال احترام را داشتم و تنها عنوان کردم اینها اصلح هستند و هر کس باید طبق نظر خودش عمل کند و حتی در هیچ سخنرانی یا جلسه بی در این شهر یا آن شهر هم برای حمایت از آنها حاضر نشدم. صدوقی تصریح کرد؛ بعد از آن تصمیم گرفتم در هیچ یک از انتخابات از کاندیدای خاصی حمایت نکنم و حضور رسمی نداشته باشم که نداشتم؛ از این رو این شعار و حرکت عده بی قلیل که از سیل جمعیت جدا بودند، برای من تازگی داشت. وی ادامه داد؛ تصاویر این افراد و فیلم های حضور آنان و شعارهایشان در تعدادی از سایت ها و صدا و سیما موجود است اما من انتقاد دارم چرا صدا و سیمایی که انتقاد به سومین شهید محراب در حظیره در سال های زندگی ایشان و توهین به امام و پاره شدن عکس ایشان را نشان می دهد و احساسات مردم را برمی انگیزد که نمی دانم کار درستی بود یا نه، این تصاویر را پخش نکرد؟ من جایگاهی بالاتر و مقدس تر از سومین شهید محراب و تمثال امام راحل نداشتم. پخش نشدن اینها باعث ایجاد سوالات و ابهاماتی برای مسوولان می شود که من هیچ گاه به این ابهامات و اشاره بعضی انگشت ها نسبت به مسوولان راضی نیستم. امام جمعه یزد به حادثه ۱۱دی ماه و توهین به بیت سومین شهید محراب با آتش زدن در آن نیز اشاره کرد و گفت؛ به آتش کشیدن در منزل کاری سری و مخفی و ناشناخته بوده و الان نیز هست و من از همان روز اول اعلام کردم به پیروی از مولای متقیان امیرالمومنین(ع) سکوت خواهم کرد چرا که ایشان این حوادث تلخ را تحمل کرد تا میراث پیامبر باقی بماند و من نیز شکایتی نداشته و ندارم و به احترام نظام و برای حفظ میراث امام و انقلاب و جلوگیری از تفرقه سکوت کردم. صدوقی گفت؛ اما باید توجه داشت در مقابل این گونه حرکات نباید کاری انجام داد که دشمن بتواند از آن فایده دودستگی و تفرقه را



معرفی کتب انتشارات بوستان کتاب



نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۷
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۱۲۰۰۰ تومان
الکافی فی الفقه



المؤلف: تقي الدين أبي الصلاح
الحلبي

المحقق: آيت الله رضا الأستادی
الطبعة: الأولى / ۱۴۳۰ ق، ۱۳۸۷
الكمية: ۱۲۰۰
السعر: ۹۵۰۰ تومان

قصه های کوچک از زندگی چهارده معصوم عليهم السلام / ج ۱



نویسنده: محمود پوروهاب و
مجید ملامحمدی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۷
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۹۰۰۰ تومان

پیروزی ۲۰۰۶ حماس و چشم انداز آینده

نویسنده: عبدالله کرمی
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۷
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۴۸۰۰ تومان

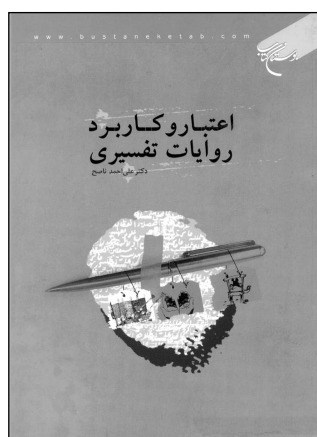


شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۴۸۰۰ تومان
نگاه پاک (بررسی نگاه به نامحرم، مرزها و آثار آن)



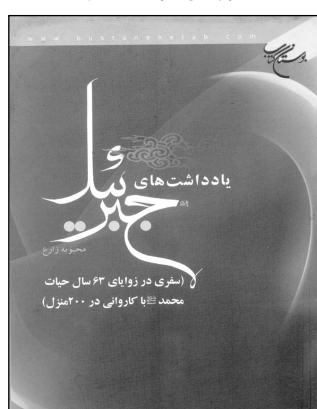
نویسنده: یاسین کمالی وحدت
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۷
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۴۵۰۰ تومان

اعتبار و کاربرد روایات تفسیری



نویسنده: دکتر علی احمد ناصح
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۷
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۵۷۰۰ تومان

یادداشت های جبرئیل (سفری در زوایای ۶۳ سال حیات محمد(ص) با کاروانی در ۲۰۰ منزل)



نویسنده: محبوبه زارع
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۷
شمارگان: ۲۰۰۰
بها: ۳۰۰۰ تومان

دروس شرح فصوص الحکم قیصری / ج ۱

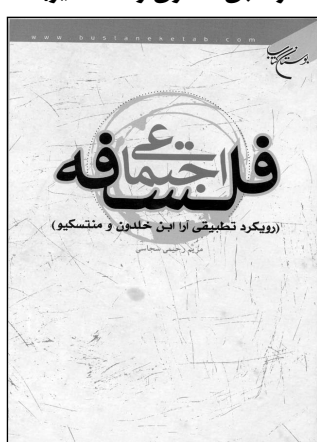
نویسنده: آیت الله حسن حسن زاده آملی



تصحیح و تحقیق: رحیم قاسمی
تهیه: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۷
شمارگان: ۱۲۰۰
بها: ۵۸۰۰ تومان

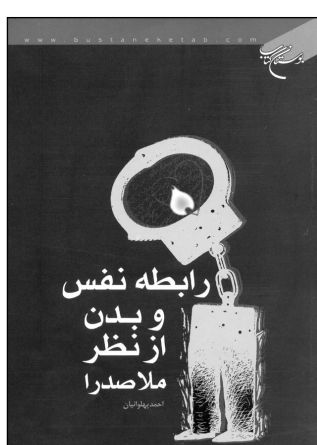
فلسفه اجتماعی (رویکرد تطبیقی آراء ابن خلدون و منتسکیو)



نویسنده: مریم رحیمی سجاسی
تهیه: دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

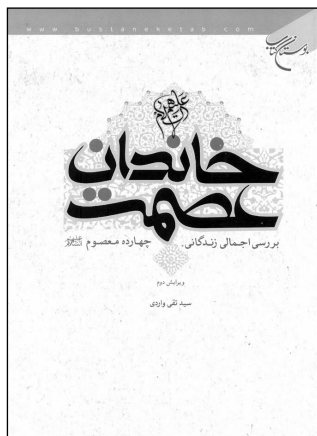
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۷
شمارگان: ۱۱۰۰
بها: ۶۰۰۰ تومان

رابطه نفس و بدن (از نظر ملاصدرا)

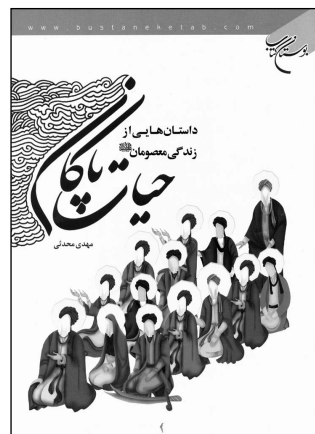


نویسنده: احمد پهلوانیان
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۷
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۳۸۰۰ تومان

خاندان عصمت عليهم السلام



نویسنده: سید تقی واردی
نوبت چاپ: سوم / ۱۳۸۷



نویسنده: مهدی محدثی
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۸۲۰۰ تومان

المعجم التطبیقی للقواعد الأصولیة فی فقه الامامیه / ج ۱



الاعداد: محمد حسن الربانی
البرجندی

الارجاع: محمد تقی باقرزاده
مشکیاف

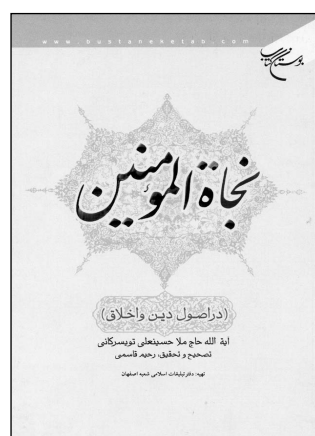
الاشراف: الأستاذ علی علمی
الأردبیلی

التحقیق: مکتب الاعلام
الاسلامی - فرع خراسان الرضوی،

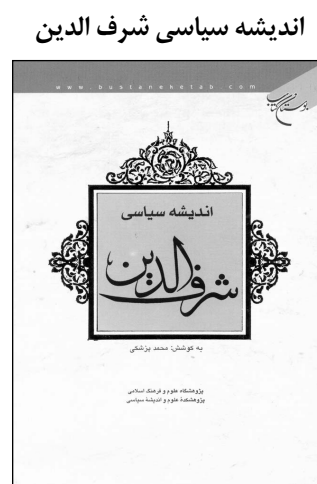
قسم الدراسات والبحوث الفقهیة
الطبعة: الأولى / ۱۴۳۰ ق، ۱۳۸۸

ش

الكمية: ۱۲۰۰
السعر: ۱۵۰۰۰ تومان
نجاه المؤمنین (در اصول دین و اخلاق)



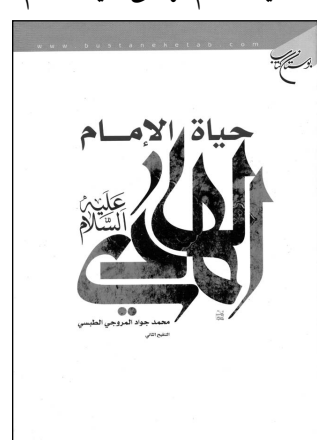
نویسنده: آیت الله حاج
ملاحسینعلی تویسرکانی



به کوشش: محمد پزشکی
تهیه: پژوهشگاه علوم و فرهنگ
اسلامی / پژوهشکده علوم و اندیشه
سیاسی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۷
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۴۷۰۰ تومان

حياة الامام الهادي عليه السلام

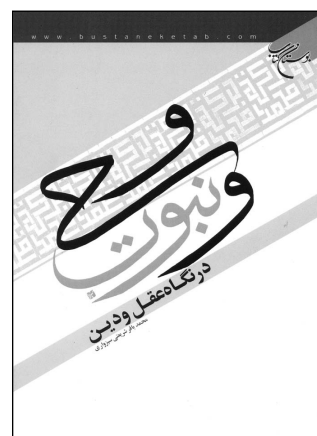


المؤلف: محمد جواد المروّجی
الطبری

الطبعة: الأولى للنشر / ۱۴۳۰ ق،
۱۳۸۸ ش

الكمية: ۱۲۰۰
السعر: ۹۰۰۰ تومان

وحی و نبوت در نگاه عقل و دین



نویسنده: محمد باقر شریعتی
سبزواری

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸
شمارگان: ۱۲۰۰
بها: ۸۵۰۰ تومان

حیات پاکان (داستان هایی از زندگی معصومان عليهم السلام)

معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

درون نظام اسلامی کارنامه دولت را
فراروی خواننده آورد.

**استقلال قاضی و قوه قضائیه در
حقوق ایران، آمریکا و فرانسه**



در نظام حقوقی اسلام، به استقلال قاضی به عنوان فردی که به دور از هیاهوی سیاسی و تبلیغاتی، صرفاً نظر خود را به اجرای احکام الهی معطوف می کند، توجه ویژه ای شده است. از این جهت، استقلال قاضی در مقایسه با سایر نظام های حقوقی کاملاً رعایت شده است و قاضی در چارچوب احکام و موازین الهی حکم صادر می کند و بر اساس این موازین نباید تحت تأثیر عوامل دیگر قرار گیرد. ارزش این امر وقتی بیشتر روشن می شود که در مقایسه با نظام های حقوقی دیگر مورد مطالعه قرار گیرد. در این راستا کتاب حاضر مقوله ای مذکور را در سه نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، آمریکا، فرانسه مورد مطالعه قرار می دهد.

محمدتقی بافقی با امر به معروف و نهی از منکر تداعی می شد.

کابینه دوم میرحسین موسوی



پس از انتخابات چهارمین دوره ریاست جمهوری توجه محافل سیاسی و مطبوعاتی به انتخاب کابینه جدید معطوف شد. در مطالعه اظهارات و مباحثی که در مطبوعات مطرح می شد، می توان دو گرایش را مشخص نمود: یکی گرایشی که تمایل به تداوم کار میرحسین موسوی داشت و دیگری با ادامه فعالیت میرحسین موسوی و وزرای او موافق نبود. این پژوهش عملکرد کابینه دوم میرحسین موسوی را هدف جستجوی خود قرار داده است. نگارنده کوشیده است با بررسی سیاست های اقتصادی، فرهنگی و خارجی تصویری روشن از اقدامات دولت در آن برهه تاریخی ارائه دهد و با ارزیابی عملکرد کابینه دوم میرحسین موسوی در زمان جنگ و نوع رابطه دولت با دیگر نهادهای

دوران وی ارتباط و همکاری نزدیکی با آیت الله صدوقی داشت و مشاور ایشان به شمار می رفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به نمایندگی مردم یزد در مجلس شورای اسلامی انتخاب و سرانجام در جریان انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی ایران در ۷ تیر ۱۳۶۰ به شهادت رسید.

**شرح زندگانی حاج شیخ
محمدتقی بافقی**



آیت الله شیخ محمدتقی بافقی از دانشمندان تراز اول حوزه علمیه قم به شمار می رفت و با مرجعیت وقت، یعنی مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، موسس حوزه، همکاری داشت و در کنار آن مرحوم و سایر علمای تراز اول حوزه، تدریس می کرد. ایشان امر به معروف و نهی از منکر را مانند فروع دیگر اسلامی و در تراز آنها واجب می دانست و لذا بی هیچ پروا، از منکر نهی می کرد و به معروف فرمان می داد. نام حاج شیخ

مختلف و نقش ایالات متحده آمریکا و متحدان آن در این تحولات، به علت یابی شکست چنین اقداماتی در ایران می پردازد.

مشاور امین

شهادت غریبانه حاج آقا مصطفی فرزند ارشد حضرت امام (ره)، در تاریخ انقلاب اسلامی سرآغاز دوره مهم گردید. حجت الاسلام حاج سید احمد خمینی بعد از درگذشت برادر با درک اهمیت و جایگاه بیت امام در تحولات انقلاب مسئولیت آن را بر عهده گرفت و همواره مشاور امینی برای رهبر انقلاب بود. این اثر با بررسی زندگانی حاج احمد آقا و با نظری بر دوران کودکی و مبارزات سیاسی ایشان، نقش فرزند امام را در تحولات قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در زمینه های مختلف سیاسی و فرهنگی بررسی می کند.

**تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات
دکتر سید رضا پاکنژاد**

دکتر سید رضا پاکنژاد در سوم فروردین ۱۳۰۳ در شهرستان یزد دیده به جهان گشود و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در رشته پزشکی دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. در دوره دانشجویی با مرجع زمان آیت الله بروجردی و عالمان دیگر ارتباط و همفکری داشت و در سئوالات مربوط به طبابت راهنمای آنان بود. پس از اتمام تحصیلات به طبابت در یزد و دستگیری از بیماران مستمند پرداخت. به طوری که آوازه او در حمایت فقرا در شهر پیچید. در این

**انقلاب های رنگی و انقلاب
اسلامی ایران**



هنگامی که ایالات متحده از کاربرد ابزارهای متعدد برای مهار و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران ناامید شد به الگوی سرنگونی و تغییر نظام از طریق یک انقلاب مخملی روی آورد لذا سعی کرد به کمک نخبگان سیاسی، احزاب سیاسی و جنبش های دانشجویی و مطبوعات به این مهم دست یابد. اما مقاومت های فضای سیاسی ایران از جمله حمایت گسترده مردمی و به ویژه دانشجویان از نظام، حضور پرقدرد و مدبرانه ولایت فقیه در رأس نظام جمهوری اسلامی و عدم وجود انسجام فکری و پایگاه قوی مردمی برای احزاب اپوزیسیون موجب شد تا انقلاب رنگی در ایران به شکست بینجامد. کتاب حاضر با بررسی و ریشه یابی چگونگی بروز انقلاب های رنگی در کشورهای

شماره جدید ماهنامه "شاهد یاران" منتشر شد

آیت الله قاضی طباطبایی، شهید اندیشه و جهاد...

موسوی اصل - شهید آیت الله قاضی طباطبایی در قامت یک پدر در گفت و شنود با سیدمحمدحسین قاضی طباطبایی، حجت الاسلام و المسلمین سیدمحمدتقی قاضی طباطبایی - راهبرد مبارزاتی شهید آیت الله قاضی طباطبایی در گفت و شنود با سیدمحمد الهی - شهید آیت الله قاضی و جوانان در گفت و شنود با دکتر حسین علایی - سیره مبارزاتی شهید آیت الله قاضی در گفت و شنود با محمدحسن عبدیزدانی و...

قاضی طباطبایی در گفت و شنود با حجت الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی - شیوه های مدیریتی شهید آیت الله قاضی در گفت و شنود با حجت الاسلام و المسلمین عبدالحمید باقری بنایی مکانت علمی و سلوک سیاسی شهید آیت الله قاضی طباطبایی در گفت و شنود با حجت الاسلام والمسلمین حاج میرزانجف آقازاده - جلوه هایی از سلوک اجتماعی شهید آیت الله قاضی در گفت و شنود با حجت الاسلام والمسلمین سیداسماعیل

آیت الله قاضی می توان به تصحیح کتب فراموش شده خطی برخی از بزرگان شیعه امامیه اشاره کرد. او به اتکای خاندان عالم پرور خود و نسخ خطی به جا مانده از آنان، در حفظ منابع علمی، خدمات بی نظیری را ارائه کرد. بیش از ۴۰ کتاب علمی و تحقیقی و چندین مقاله از ایشان به زبان عربی در رسانه های عرب از جمله آثار ارزشمند اوست.

عناوین دیگر مطالب این ماهنامه به شرح زیر است:

شهید آیت الله قاضی طباطبایی در آئینه توصیف امام- مروری بر حیات علمی و عملی عالم مجاهد شهید آیت الله سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی- قاسم تبریزی- فصل اول (شهید آیت الله محمدعلی قاضی طباطبایی در آئینه توصیف استادان و یاران. جستارهایی در حیات سیاسی و مبارزاتی آیت الله قاضی در گفت و شنود با مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی بنی فضل - جایگاه علمی شهید آیت الله قاضی طباطبایی در گفت و شنود با آیت الله محسن مجتهد شبستری- مکانت علمی شهید آیت الله قاضی طباطبایی در گفت و شنود با آیت الله سیدمحمدتقی آل هاشم - مروری بر کارنامه علمی و عملی شهید آیت الله

ادامه از صفحه اول

او در آذربایجان تنها کسی بود که ستم و خطاها را مستقیماً متوجه شخص شاه می دید و مردم را به مبارزه با او که ریشه فساد بود، دعوت می کرد.

تدبیر شهید آیت الله قاضی طباطبایی در یکی از پر حادثه ترین و حساس ترین نقاط ایران سبب گردید که به رغم خطاها و اقدامات برخی از نخبگان آن خطه، مردم آن دیار، چنان با نهضت امام همراه شوند که در ۲۹ بهمن ۵۶، تبریز یکپارچه به پاخاست و این رویداد به عنوان نقطه عطفی در تاریخ به جا ماند و موجب تسریع روند انقلاب آن گردید. آیت الله قاضی همواره به مقابله با تفرقه افکنان می پرداخت و در جهت ایجاد وحدت در آذربایجان می کوشید.

جهاد وی تنها در یک جبهه نبود. خدمات گسترده علمی شهید و کتب بی شماری که در شاخه های مختلف اسلامی اعم از رجال، کلام، فلسفه، تاریخ، تفسیر و غیره به رشته تحریر درآورده، هر یک درخور توجه و تأمل فراوان است و به رغم کارشکنی های دائمی ساواک، از وی چهره ای شاخص در عرصه علوم دینی ساخته بود. از اقدامات بزرگ علمی شهید

انتشار شماره جدید پاسدار اسلام

شماره جدید ماهنامه فرهنگی و عقیدتی پاسدار اسلام منتشر شد. ماهنامه پاسدار اسلام که به همت دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم انتشار می یابد ۲۹ سال سابقه فعالیت دارد.

در شماره سیصد و سی و هفتم این مجله مطالبی با محتوای عقیدتی فرهنگی سیاسی و اجتماعی با این عناوین به چشم می خورد: انسان تا سپاس امام حسین (ع) کشتی نجات امامان و اقامه حدود الهی هشدارهای علوی به حارث همدانی سوگواریهای محرم در سیره و سنت معصومین (ع) عاشورا آئینه تمام نمای حقیقت دین حماسه عاشورا و آموزه های عزت آفرین و رویش فضیلت در پرتو زیارت.

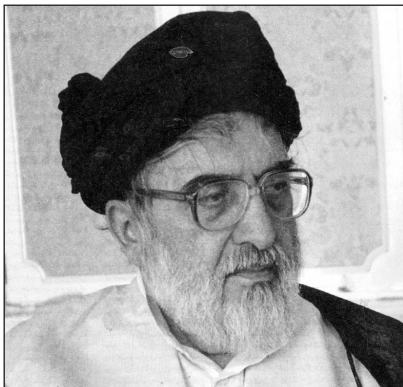
علاقتمندان به تهیه این نشریه می توانند علاوه بر مراجعه به مراکز عرضه مطبوعات با شماره تلفن ۶۶۴۶۸۲۸۳ تماس حاصل نمایند.



گزارش فارس از مراسم بزرگداشت علامه دوانی؛

استاد خسروشاهی:

«رعایت انصاف» ویژگی بارز تاریخ نگاری علامه دوانی است



کتاب به نهایت تلاش نموده و هرچه توانسته در آراستن و پیراستن آن کوشیده و آنچه نهایت آرزوست در این زمینه ارائه کرده است و این جای شگفتی نیست زیرا آنکه خداوند تعالی در پناه خویش بداردش از کسانی است که در راه کسب فضائل و پیگیری و دستیابی به نکات زیبا شبهای بسیاری را چشم به خواب نسپرده است. خداوند به امثال او بیفزاید، آرزوهایش را برآورده سازد و بیشترین و نیکوترین پاداش ها را به او عطا فرماید. آمین آمین - شهاب الدین مرعشی نجفی (ره) شعبان ۱۳۷۵ - ۲۲ اسفند ۱۳۳۴ ***

در ادامه این مراسم شخصیت های دیگری همچون حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمدجواد حجتی کرمانی، حجت الاسلام رضا مختاری و دکتر حسن انوشه و خانم کاظمی و جناب محمد رجبی فرزند ارشد استاد دوانی به ارائه شعر، مقاله تحقیقی و ایراد سخنرانی درباره مرحوم علی دوانی پرداختند. این مراسم با قرائت فاتحه برای شادی روح آن مرحوم و توزیع دیوان شعر استاد دوانی در ساعت های پایانی شب پس از پذیرایی به پایان رسید.

اگر نه تفاوتی با یک توده جمعیتی ندارد. وی در این راستا ابراز امیدواری کرد که وظیفه بزرگداشت بزرگان در بین دستگاه های اجرایی متولی در این حوزه نیز انجام شود.

مسجد جامعی در ادامه و در بیان ویژگی های علامه دوانی گفت: دوانی جزء معدود شخصیت هایی است که نه تنها در حوزه نوشتار بلکه در حوزه گفتار نیز برجسته است.

وی به آغاز آشنایی خود با مرحوم دوانی در پای منابر سخنرانی ایشان در مساجد تهران اشاره کرد و گفت: من از مراتب دانش، ایمان، فضل و مجموعه آنچه که ایشان می گفت بهره مند شدم.

مسجد جامعی آثار قلمی مرحوم دوانی را روان، مأنوس، تاثیرگذار، صمیمی و پرعاطفه دانست و گفت: او با مخاطب رابطه برقرار می کند و آنها در سطوح علمی متفاوت از آثار او بهره می برند.

مسجدجامعی همچنین با اشاره به استناد آثار ایشان افزود: انشاء الله، رفتار و روش مرحوم دوانی الگویی باشد برای ما که علاقه مند به این کشور، انقلاب، نظام و آئین هستیم.

پس از سخنرانی مسجد جامعی، مجری برنامه با قرائت تقریظ آیت الله مرعشی نجفی (ره) بر کتاب استاد دوانی درباره علامه جلال الدین دوانی برنامه را ادامه داد.

متن این نوشته از سوی آیت الله مرعشی نجفی به شرح ذیل است: «این اثر برآمد قلم عالم فاضل، شائق به کارهای نیک، چهره درخشنده، هوشمند تیزبین، دانشمند پاک نهاد و عارف کامل، فخر اقران و همانندان برجسته همسالان خویش، رکن الاسلام، خطیب توانمند با شهرت فراگیر جناب آقای شیخ علی دوانی (دام الله مجده و فاق سعه) که درباره شرح زندگانی علامه محقق دوانی نگاشته اند. مولف ارجمند در تالیف این

ایشان در پیدایش و استمرار فعالیت این مجله نقش بسیار فعالی داشت و مقالات وی در آنجا در زمینه تاریخ و رجال است که به شکل کتاب منتشر شد.

وی سپس در بیان خصوصیات برجسته علامه دوانی به مراعات عدل و انصاف در تاریخ نگاری اشاره و در عین حال گفت: البته به نظر من هیچ تاریخ نگاری نمی تواند بی طرف باشد، چرا که از نگاشتن آن انگیزه و هدفی دارد. ولی مراعات عدل و انصاف و عدم انحراف از مسیر صحیح تاریخ نگاری کار هر کسی نیست.

حجت الاسلام والمسلمین خسروشاهی از کتاب نهضت دومامه روحانیون به عنوان اولین کتاب تاریخ دوانی نام برد و گفت: ایشان پس از آغاز حرکت مراجع قم در ماجرای انجمن های ایالتی و ولایتی این اثر را نوشت که بعدها تکمیل شده آن تا ۱۱ جلد کتاب نیز ادامه یافت. وی سپس از ادامه نیافتن عدل و انصاف مرحوم دوانی در نسل کنونی انتقاد کرد و با اشاره به پشتکار او در کار گفت: این خصوصیت وی در همه امور قابل توجه است تا آنجا که توانست در مدت کوتاهی خاطرات خود را در دو مجلد و یک هزار و ۲۰۰ صفحه بنویسد.

این محقق و نویسنده، به مناعت طبع مرحوم دوانی اشاره کرد و گفت: مرحوم دوانی، مطهری، بهشتی، مفتاح و باهنر از مسئله کیفیت تحصیل و معاش طلاب در حوزه علمیه قم رنج می بردند و برای همین امر هم مجبور شدند که به تهران مهاجرت کنند و به تدریس در دانشگاه بپردازند ولی معاش آقای دوانی از راه تالیف کتاب و سفرهای تبلیغی تامین می شد، اما ایشان حتی در زمان سختی هم ابراز ناراحتی نمی کرد.

در ادامه این برنامه، احمد مسجدجامعی عضو شورای اسلامی شهر تهران، ضمن تشکر از مدیریت شهر تهران به سبب بزرگداشت فرهیختگان و فرزاتگان گفت: شهر با فرهیختگان خود رشد می یابد

خبرگزاری فارس: حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی در مراسم بزرگداشت علامه دوانی که با حضور جمعی از فرهیختگان در فرهنگسرای ابن سینا برگزار شد، گفت: مراعات عدل و انصاف در تاریخ نگاری از خصوصیات برجسته علامه دوانی بود.

به گزارش خبرنگار آئین و اندیشه فارس، عصر روز چهارشنبه ۲۳ دی ماه، گردهمایی بزرگداشت مرحوم علامه دوانی در فرهنگسرای ابن سینا واقع در منطقه ۲ تهران برگزار شد.

در این مراسم، حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی که سابقه آشنایی او با مرحوم علامه دوانی به ۵۰ سال می رسد، به ایراد سخنرانی با عنوان «نیم قرن دوستی و همکاری با مرحوم دوانی» پرداخت و در این باره گفت: در سال ۱۳۳۱ که نوجوانی در تبریز بودم، از طریق مقالات ایشان در مجموعه حکمت که تنها مجله مذهبی منتشره در قم بود، با او آشنا شدم.

وی در توضیح بیشتر این مطلب گفت: در آن زمان انسان های والا مقامی همچون حضرات آیات ابوالفضل زاهدی، ابوالقاسم دانش آشتیانی، شیخ مجتبی عراقی، ناصر مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، مهدی حائری تهرانی، واعظ زاده خراسانی و استاد دوانی در این مجله مقاله می نوشتند... و من نیز از همان هنگام مقالاتی در این مجله می نوشتم.

حجت الاسلام والمسلمین خسروشاهی با اشاره به اینکه انتشار مجله در آن زمان نه تنها به راحتی مقدور نبود، بلکه امری مستنکر محسوب می شد، گفت: به همین دلیل، اغلب این افراد با نام مستعار دست به قلم می بردند، اما تنها فردی که از ابتدا نامش خیلی صریح نوشته شد مرحوم علی دوانی بود.

این دوست و همراه دیرینه علامه دوانی سپس از راه اندازی مجله مکتب اسلام در سال ۱۳۳۸ و تمرکز فعالیت های مرحوم دوانی در آنجا گفت و افزود:

حجت الاسلام والمسلمین ری شهری در مراسم تودیع نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛

هنر نیست که از خانواده شهید کودتاجی بسازیم

زمان (عج) بوده و مکرر نیز در ایام حج به دوستان می گفتم به گونه یی باید عمل کنید که تصور کنید مسوول کار خود ولی عصر است و این نظام نیز نظام ولایتی است. او ادامه داد: حجت الاسلام سیدعلی قاضی عسکر معتقد به این مفاد بوده و امانت داری او در تمام ابعاد بر همگان ثابت شده است. شجاعت در انجام تصمیم ها، دلسوزی و وقت گذاری و امانت شناسی این فرد محرز است؛ همان خصوصیتی که مدنظر مقام معظم رهبری بوده در این فرد وجود دارد.

حتی یک عدد موی سفید در صورتم نبود اما امروز عکس این قضیه است. حجت الاسلام والمسلمین محمدی ری شهری در ادامه با اشاره به کناره گیری خود از این سمت یادآور شد: همچنان تاکید می کنم استعفای من هیچ ارتباطی به تغییرات سازمان حج و زیارت ندارد و برخی از سایت ها به اشتباه در این مورد اطلاع رسانی کردند در حالی که مایل بودند معاون جدیدی انتخاب شود و من نیز موافقت می کردم که فردی جدید با توانایی لازم برای این کار انتخاب شود. به گفته حجت الاسلام والمسلمین محمدی ری شهری مقام معظم رهبری چندین نفر را معرفی کردند و از میان این افراد اصلح ترین آن را خدمت ایشان معرفی کردند و باز ایشان از من خواستند روی این فرد فکر کنم. به مقام معظم رهبری اعلام کردم حجت الاسلام قاضی عسکر اعتقاد به سیاست های نظام و مقام معظم رهبری داشته و با سیاست های سازمان سازگار است و ایشان را اصلح تر دانستند. حجت الاسلام والمسلمین محمدی ری شهری خاطرنشان کرد؛ بعثه را در طول این مدت با این اعتقاد اداره کردم که شعبه یی از دفتر ولی عصر امام

یک دشمن هم زیاد و هزار دوست کم است. او در قسمت دیگری از سخنانش به درس سیاسی از امیر المومنین اشاره کرد؛ این درس برای نظام اسلامی و علوی آن است که اگر یک فرد ۱۰ یا ۱۵ درصد اعتراض دارد به آن اعتراض رسیدگی شود. نه آنکه با آن ۱۰۰ درصد مخالف شود. نماینده سابق ولی فقیه در سازمان حج و زیارت با بیان اینکه تندروری و کندروی هر دو برای نظام ضرر دارد، گفت: در هر کار و سمتی که بودم سعی کردم نه افراط و نه تفریط داشته باشم بلکه اعتدال را سرلوحه کار خود قرار دادم. به گفته او یقین دارم هر کس از این نظام جدا شود نظام ضربه یی نمی خورد و هر کس که از رهبری جدا شود نیز نظام ضرر نمی کند اما وظیفه ما این است که در شرایط فعلی از این نظام و رهبری حمایت کنیم و میراث دار خون شهدا باشیم. در عین حال تندروری و کندروی را کنار گذاریم چراکه به ضرر نظام است و همراهی با نظام نیز همراهی با عاقبت به خیری است.

او با اشاره به سختی کار در مقام سابقش گفت: سال ۷۰ که مقام معظم رهبری مسوولیت را به من واگذار کردند

سلاطین سیاسی باشد. حجت الاسلام والمسلمین محمدی ری شهری باز هم بر اعتدال میان گروه های سیاسی تاکید کرد؛ در زمان امام صادق (ع) و امام علی (ع) و همه ائمه نیز تندروری و کندروی وجود داشته است. هر افراط و تفریطی به سود دشمن است و همه باید مراقب باشیم با کارهای بی رویه به فتنه انگیزی دشمنان کمک نکنیم؛ هر کس باید به نظام کمک کند نه دشمنان. حجت الاسلام والمسلمین محمدی ری شهری با اشاره به خاطره یی از محاکمات کودتای نوژه و بخشش تعداد زیادی از کودتاگران تاکید کرد؛ هنر نیست که از یک خانواده شهید کودتاجی بسازیم بلکه هنر آن است که از یک کودتاگر شهید بسازیم. او خطاب به سایر مسوولان گفت: سیاست علوی آن است که علاقه مندان به رهبری و نظام باید در هر مسوولیتی به دوستان نظام اضافه کرده و از مخالفان بکاهند. او با بیان اینکه باید تلاش کنیم تا از مخالفان نظام کاسته و به موافقان اضافه کنیم، افزود؛ این هنر نیست که دوست را تبدیل به دشمن کنیم بلکه هنر آن است که مخالف را تبدیل به دوست کنیم. امروز باید برای نظام اسلامی دوست اضافه کرد،

گروه اجتماعی؛ نماینده سابق ولی فقیه در امور حج و زیارت روز گذشته در مراسم تودیع خود پس از ۲۰ سال سخنانی گفت که نمی توان آن را بی ربط با اتفاق های اخیر در کشور دانست. اتفاقاتی که باعث شد حجت الاسلام والمسلمین محمدی ری شهری در آخرین سخنرانی خود در این سازمان به مدیریت ملایم تری برای نظام اشاره کند؛ باید به گونه یی مدیریت کنیم که اگر کسی ۱۰ درصد با ولایت فقیه موافق و ۹۰ درصد مخالف است، به آن ۱۰ درصد اضافه کنیم نه آنکه لگد بزنیم و آن ۱۰ درصد را نیز نابود کنیم. او در طول سخنرانی اش بارها بر اعتدال و میانه روی تاکید کرد و خطاب به طیف سیاسی اصولگرایان گفت؛ اصولگرایی واقعی همراهی رهبری و اجتناب از افراط و تفریط است به طوری که اگر کسی از اصولگرایان تندروری یا کندروی کند، اصولگرا نیست.

حجت الاسلام والمسلمین محمدی ری شهری در ادامه به خصوصیتی که مدنظر مقام معظم رهبری بوده اشاره کرد؛ از ابتدای مسوولیت با اعتدال موافق و با تندروری و کندروی مخالف بودم. همچنین باید سایه پرپرکت رهبری روی سر تمام

بعثت

نشریه مرکز بررسیهای اسلامی
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسوول:

سید هادی خسروشاهی

سر دبیر:

سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائییه) نیش ممتاز

تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

لیتوگرافی: سپهر اسکنر چاپ: سپهر